

هدف؛ قربانی کردن توده‌های هاست

● نخست وزیر بر عجز مأموران اجرایی رژیم در تدارک و تهیه "مدرك و سند" عليه توده‌ای‌ها صحنه گذاشت

ایجاد ترس و وحشت در جامعه و وادار کردن مردم ناراضی به سکوت عده زیادی از توده‌ای‌های دریند را به جوخه‌های اعدام پسپزند.
سردمداران جمهوری اسلامی که در اجرای رهنمودهای امپریالیسم لحظه‌ای درنگ را نیز جایز نمی‌شمرند، بی تدارک و جعل و تهیه "مدرك و سند" و تنها به دلگرمی اتهامات سیا پاخته و ساواک پرداخته "جاسوسی" و "خیانت"، یورش بهیمی به حزب توده ایران را آغاز کردند و شمار بسیاری بقیه در صفحه ۱۵

گسترش بحران در حاکمیت و شدت محرومیت و ناراضی‌های در جامعه اثرات زیان‌بار خود را به بار می‌آورند. سیاست‌گذاران حکومتی برای مهارسازی و سایه افکندن بر تمامی ناپسامانی‌ها و تشنجات اجتماعی، اجرای توطئه فاجعه بار جدیدی را تدارک می‌بینند.
در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره آمده است:
"ارگان‌های قضایی سرگرم تهیه مقدمات محاکمه جمعی صدها نفر از اعضای حزب توده ایران اند و درصددند برای

راه توده

شهره‌ها از حزب توده ایران در خلیج فارس

دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۴ مطابق
۴ ژوئن ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۹۴
پهنا ۴۰ سانتی‌متر

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

تفسیری از روزنامه ایزوستیا:

وضع بحرانی در خلیج فارس

وزیران امور خارجه کشورهای صادرکننده نفت در منطقه: عربستان سعودی، امارت متحده عربی، بحرین، کویت، قطر و عمان... نتوانست به موضع مشترک دست یابد. زیرا شرکت کنندگان در ارزیابی علل این حوادث وحدت نظرند اشتند.
وزارت امور خارجه ایران روز هفتم ماه مه اعلام کرد هرگونه ناامنی برای کشتی‌های ایرانی در

در روزهای اخیر وخامت اوضاع در خلیج فارس تحت شرایط ادامه جنگ میان ایران و عراق شدت یافته است. نفت‌کش‌های عربستان سعودی و کویت از هوا مورد حمله قرار گرفتند. یک نفت‌کش با پرچم پاناما غرق شد و سرانجام آشکار نشد. هواپیمای‌های مهاجم به کدام کشور تعلق داشتند. نیروی هوایی عربستان سعودی، به حالت آماده باش کامل درآمده است. جلسه فوق‌العاده

کارنامه بی افتخار و ضد مردمی ثمره فعالیت مجلس اول

اعتصاب غذا در ایتالیا علیه شکنجه و اختناق در ایران

کشورهای اروپائی، صحنهٔ عربده‌کشی‌های قداره‌بندان "انجمن اسلامی"

تثبیت قدرت ارتجاع در مقابله با رأی مخالف مردم

رأی منفی مردم به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت جمهوری در انتخابات اخیر، چنانکه پیش‌بینی می‌شد، بحران حاکمیت را عمیق‌تر و گسترده‌تر کرده است. ارتجاع حاکم که علی‌رغم تشبثات گوناگون نتوانست از انعکاس نظر توده‌ها علیه خویش جلوگیری کند، برای تحکیم اقتدار بیش از پیش متزلزل خود به تهاجم متقابل علیه مردم و دستاورد های انقلاب دست زده است.
نخستین واکنش ارتجاع در برابر رأی مخالف مردم، تدارک تقلبات گسترده‌تر برای اعمال نفوذ در دور دوم انتخابات و ابطال انتخابات در پاره‌ای از شهرها که در آنها نمایندگان مورد پسند حزب جمهوری اسلامی و با زاز و مدزسین سببیه‌گرای حوزه‌های علمیه به مجلس راه نیافته‌اند، بود. در این میان ابطال انتخابات اصفهان با مخالفت شدید مردم مواجه شده تا آنجا که توده‌های خشمگین آشکارا فریاد "مرگ بر شورای نگهبان" سردادند.

علی‌رغم این اعتراضات، شورای نگهبان توانست به ابتکار گروهی از نمایندگان شکست خورده و بی‌اعتبار مجلس که در فاصله دور نخست و دوم انتخابات، اصلاحیه‌ای بر قانون اجرایی انتخابات را با دو فوریت به تصویب رساندند، اختیارات اجرایی خود را در برگزاری انتخابات افزایش دهد. بنا بر این اصلاحیه، از این پس ترکیب میات اجراییه انتخابات در حوزه‌های مختلف با نظر شورای نگهبان تعیین خواهد شد و امکان اعمال نفوذ مستقیم ارتجاع در "انتصاب" نمایندگان افزایش خواهد یافت.
از سوی دیگر دامنه گسترده اعتراض مردم، رهبری جمهوری اسلامی را بار دیگر به حمایت بقیه در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

تثبیت قدرت ارتجاع در مقابله با رأی مخالف مردم

بقیه از صفحه ۱

آشکارا از شورای نگهبان سرمایه داران و مالکان بزرگ واداشت:

"افرادی که نظریه شورای نگهبان در تأیید یا ابطال بعضی حوزه ها موافق میلشان نبوده است، دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان را... تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می نمایند... من به این آقایان هشدار می دهم... شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنها، به مقامشان را لازم می دانم... به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشند" (چراید- ۲۶ اردیبهشت ۶۲).

این پیام اگرچه حاوی نکته تازه ای نیست، اما اعلام آن در شرایط ویژه کنونی، به معنای تشویق مقابله آشکار با نظر و اراده توده هاست. بیهوده نیست که آیت الله خزعلی، فقیه شورای نگهبان و یکی از رهبران معروف انجمن حجّتیّه در لیبیک به این پیام اعلام می دارد:

"اگر همه ایران هم جو مخالف ما باشد، شورای نگهبان "وظیفه خود را" با قاطعیت انجام خواهد

داد. (نگهبان- ۲۹ اردیبهشت ۶۲)

رییس جمهور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نیز که حزیش با رأی عدم تضاد مردم مواجه شده است، در استقبال از این پیام، خصوصیت خویش به نظر مردم را با صراحتی روشن تر از گذشته بیان کرده است:

"اندیشه اسلامی بایستی به وسیله دین شناسان واقعی در میان مردم ترویج شود. مردم و نظام الهی شان به روحانیت راستین و فقهای حقیقی اسلام نیازمندند و این موردی است که همیشه امام امت بی گیری کرده اند و شما موضع امام را در مقابل فقهای شورای نگهبان دیدید" (خامنه ای- سخنرانی در قم- اطلاعات- ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

تقویت مواضع شورای نگهبان و افزایش اختیارات آن، بلافاصله به یورش جدید به یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب انجامید. شورای نگهبان پاریدگر لایحه ملی کردن تجارت خارجی را که در مجلس اول با عقب نشینی هایی در راستای تأمین مطامع چپاولگران تجارت بزرگ به تصویب دوباره رسیده بود، رد کرد. پیش از این شورای نگهبان، برخلاف قانون اساسی خواستار آن

بود؛ قانون به شکلی "اصلاح" شود که تجار بزرگ نیز اجازه داشته باشند به واردات و صادرات برخی از کالاها بپردازند. پس از تأمین این خواست، شورای نگهبان که خود را بسیار قدرتمندتر از گذشته می بیند، اینک با وقاحتی بی سابقه از مواضع پیشین خویش نیز گام بزرگی پیشتر آمده و خواستار آنست قانون به شکلی نوشته شود که تجار بزرگ بتوانند در کنار دولت هرگونه کالایی را وارد یا صادر کنند. به این ترتیب آنان یکی دیگر از مهم ترین مواد قانون اساسی را باطل و خلاف شرع اعلام کرده اند. در این باره رییس کمیسیون ویژه بررسی لایحه در مجلس اول گفته است:

"ما از اول که با این لایحه برخورد کردیم، به عنوان یک چیزی که در قانون اساسی مسلم بوده و خلاف شرع هم نبوده و کمیسیون و مجلس هم بر این اساس که عمل تجارت خارجی در اختیار دولت باشد به صلاح کشور است... لایحه را تصویب کرده بودیم که غیرشرعی نیست و خلاف قانون اساسی نیست" اما اینک این طور تلقی می شود که انحصار دولتی تجارت خارجی در "هریک از اقلام کالاها" خلاف شرع است. (موسوی خویینی ها-

۱ خرداد ۶۳)

با وجود این مجلس اول، با پذیرش خواست های اساسی شورای نگهبان لایحه را برای بار سوم به تصویب رساند.

در چنین شرایطی آیت الله خمینی در پیام افتتاحیه خود به مجلس دوم، تبعیت اکیدتر نمایندگان را از شورای نگهبان خواستار شده است:

"کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان اگر (کاری) به طور غیرمشرع هم باشد مانع ندارد که این یک انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی، بلکه به محرومین است که از مال حرام و نهب و با ظلم به دیگران آنان را مبتلا به آتش جهنم کند..."

"نماینده گام محترم کوشش نمایند که امر مخالف با شرع و قانون اساسی به تصویب نرسد که علاوه بر آن که رأی بر ضد قوانین الهی دادن خود گناه است، بی شک شورای محترم نگهبان آن را رد می کند و موجب عقب افتادن کارها می شود" (اطلاعات- ۸ خرداد ۶۳).

این پیام در عین حال حاوی اخطارها و محدودیت های عملی برای نمایندگان است که در نطق های پیش از دستور در مجلس به افشاکاری و ابراز مخالفت با سیاست های ارتجاعی حاکم می پردازند. تصمیماتی که متعاقب این پیام اتخاذ شده است، مصونیت سیاسی نمایندگان مجلس را آشکارا نفی کرده است. نمایندگان مجلس از این پس برای ایراد نطق پیش از دستور ملزم به رعایت آیین نامه ویژه ای خواهند بود و در صورت تخلف در دادگاه های مخصوص محاکمه و تعزیر خواهند شد!

این تحولات در ساختار قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی - تقویت مواضع و افزایش اختیارات شورای نگهبان سرمایه داران و ملاکین بزرگ و ارباب و الزام بیش از پیش نمایندگان مجلس به تبعیت از اراده آنان - بیانگر آنست که نیروهایی که لبه تیز رأی منفی مردم را متوجه خود دیده اند، راه چاره را در جلوگیری از هرگونه بازتاب و تأثیر نظر مردم در تصمیم گیری های مهم حاکمیت می بینند. گستاخی شورای نگهبان در یورش به دست آوردهای انقلاب و تأمین مطامع تجار بزرگ، در بجهت رای عدم اعتماد مردم به "مقتدین بازار" نشانه سرسختی ارتجاع حاکم در بی گیری راه ناپودی کامل انقلاب است.

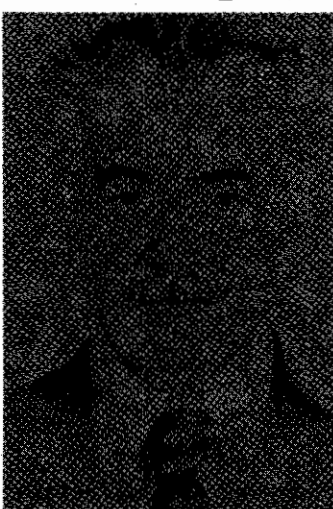
۶ سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت

۱۵ خرداد، ۶ سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت.

مرگ این توده ای قهرمان که ۱۸ سال از عمر گران بهای خود را در شکنجه گاه ها، زندان ها و تبعید گذراند و ۱۸ سال استوار و دلور، با وفاداری به آرمان های حزب خود و زحمتکشان رژیم، همه توده ای ها، خلق کرد و دوستداران آرمان های مردمی را متأثر ساخت.

شرایط دشواری که زندانبانان به رفیق یوسفی تحمیل کردند او را به بیماری های قلبی و ریوی دچار ساخت. بی اعتنائی عمدی دژخیمان، این بیماری را در او ریشه دارتر کرد تا سرانجام رفیق عزیز یوسفی پس از ۱۴ ماه آزادی از زندان چشم از جهانی که با تمام وجود به آن عشق می ورزید فرو بست.

رفیق عزیز یوسفی که در زندان های



شاه خائن مظهر وفاداری به آرمان های حزب خود بود همیشه می گفت:

"هزاران نفر بودیم، هزاران نفر از ما شهید شدند یا در زندان ها

پوسیدند. هزاران نفر از ما به میدان مبارزه پشت کردند. هزاران نفر در نیبه راه ماندند. اما هنوز هزاران نفریم. حزبی با این همه شهید و تاریخ و ماجرا، با این همه سخت جانی و نیروی حیات و مقاومت نمی تواند بیروز نشود. اگر همه جهان دروغ باشد، این حقیقت دروغ و افسانه نیست."

دژخیمان شاه مخلوع حتی از برگزاری مجلس ختم این توده ای قهرمان جلوگیری کردند. اما خلق کرد که رفیق عزیز یوسفی با افتخار به آن تعلق داشت، مراسم تشییع جنازه او را به تظاهرات وسیعی بدل کرد.

تابناک باد خاطره رفیق عزیز یوسفی، قهرمان توده ای، رفیقی که به صف بی پایان شهدای حزب توده ایران پیوست.

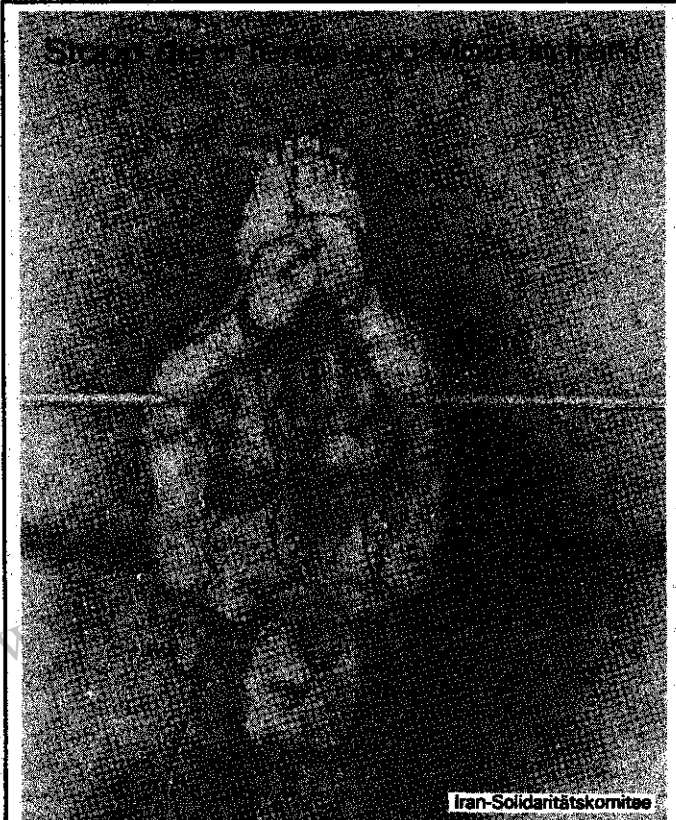
اعتصاب غذا در ایتالیا علیه شکنجه و اختناق در ایران

"کمیته هم‌آهنگی دانشجویان دمکرات ایران"، "جبهه میهنی دمکرات عراق" و "کمیته صلح" بخشی از شهر رم، به منظور افشای موج خفقان، شکنجه و اعدام آزادی‌خواهان در ایران و عراق، اعتراض به جنگ فرسایشی میان دو کشور و کشتار خلق کرده، برنامه‌ای تحت عنوان هفته صلح ترتیب دادند. اولین شب هفته مذکور که از بیست و دوم ماه مه (اول خرداد) آغاز شد، با برگزاری نشستی پیرامون مسائل دو کشور و با حضور روزنامه‌نگاران و نمایندگان سازمان‌های مترقی عراقی و ایرانی شروع شد. از جمله شرکت‌کنندگان در این جلسه، نمایندگان سازمان حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، عراق و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در ایتالیا بودند. در این نشست خبرنگاران پرتیراژترین روزنامه‌های ایتالیا، از جمله "اونیتا"، "مانیفست"، "مساجرو" و آژانس خبری آنزا نیز حضور داشتند.

"کمیته هم‌آهنگی دانشجویان دمکرات ایران" از روز بیست و دوم ماه مه، با مطرح کردن خواست‌های قطع پیکرد، بازداشت، شکنجه و کشتار میهن‌دوستان ایران، تأمین اجازه رواند به هیأتی مرکب از پزشکان، حقوق‌دانان و روزنامه‌نگاران جهت عزیمت به ایران و بازدید وضع زندانیان از نزدیک و حضور در محاکمات فرمایشی رژیم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پایان جنگ ایران و عراق، قطع کشتار خلق کرده، قطع کمک‌های نظامی دولت ایتالیا به طرفین درگیر جنگ، رسیدگی به وضع مهاجرین سیاسی ایران در ایتالیا، دست به اعتصاب غذا زد. روزهای ۲۲ و ۲۴ ماه مه (۲ و ۲ خرداد)، گروه "نقاشان صلح‌دوست" که عده‌ای از نقاشان معروف و مترقی رم را دربرمی‌گیرد، جهت پشتیبانی از اعتصاب‌کنندگان و خواست‌های آنان، جنب‌نمایشگاه عکسی که پیرامون اوضاع ایران و عراق ترتیب داده شده بود به نقاشی پرداختند و روز بعد دانش‌آموزان یکی از مدارس رم به اجرای برنامه‌های هنری و سرودهای صلح‌دست زدند.

روز بیست و ششم (پنجم خرداد) به بحث در باره وضعیت مهاجرین سیاسی، به ویژه مهاجران سیاسی ایرانی و عراقی در ایتالیا اختصاص یافت. در این جلسه، رییس انجمن حقوق و آزادی‌خلق‌ها در ایتالیا، نماینده دفتر پناهندگان سازمان ملل متحد، مسئول بهداشت و امنیت اجتماعی شهر رم و نماینده سندیکای کارگران

خواست‌های به حق سازمان‌های ایرانی و عراقی اعلام کردند و ضمن دیدار مجدد با اعتصابیون، از آنان خواستند به اعتصاب خود پایان بخشند. در تمام طول اعتصاب هیأت‌های نمایندگی سازمان‌های مترقی و شخصیت‌های سیاسی، ادبی و هنری ایتالیا با اعتصابیون ملاقات و ضمن تأیید خواست‌های مطرح شده از



"کمیته همبستگی با ایران" که امر دفاع از زندانیان سیاسی ایران را از وظایف مهم خود قرار داده، طرح فوق را با عنوان "ترور و اعدام رادر ایران متوقف کنید" به همراه یک کارت جمع‌آوری امضای اعتراضی منتشر ساخته است.

مهاجر ایتالیایی نیز حضور داشتند و یکی از مهاجران و نماینده دانشجویان ایرانی در رابطه با دلایل مهاجرت از ایران، جوخفقان و فشار حاکم بر کشور، وضع زندان‌ها و اوضاع نابسامان مهاجران در ایتالیا سخن گفتند و اعمال تزییقات کنسولگری جمهوری اسلامی در مورد دانشجویان دگراندیش ایرانی رادر ایتالیا، از جمله خودداری مسئولان رژیم از تمديد پاسپورت آنها آشکار ساختند و در این رابطه خواست‌های مشخصی مطرح کردند. شخصیت‌های شرکت‌کننده در این نشست، حمایت کامل خود را از

اعتصاب غذا با موفقیت به پایان رسید. در زیر توجه خوانندگان را به اساسی برخی از شخصیت‌ها و هیأت‌های نمایندگی سازمان‌ها و نهادهایی که ضمن مراجعه به محل اعتصاب غذا، از خواست‌های اعتصابیون حمایت کردند، جلب می‌کنیم:

- هیأت نمایندگی فراکسیون حزب کمونیست ایتالیا در سنا به سرپرستی کیارا مونته، رییس فراکسیون و عضو هیأت سیاسی حزب که حامل پیام رهبری حزب و گروه کمونیست‌ها در سنا بود ● آلبرتو بنزونی رییس جامعه دفاع از آزادی خلق‌ها و مشاور حزب سوسیالیست در شورای شهرداری رم ● هیأت نمایندگی اتاق کار کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا ● فراکسیون کمونیست شهرداری رم به سرپرستی جورجو فره‌گوزی ● کمیته ناحیه ۱ حزب کمونیست ایتالیا به مسئولیت ژوزف دامو ● جان‌پابه شخصیت معروف و آکادمیسین بنام ایتالیا ● شهردار رم و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا ● فرانکو فونتی مسئول خارجی فدراسیون ● جانی پالومیرو، مسئول کشوری جامعه دفاع از آزادی خلق‌ها ● سنتینو پیکتی، نماینده حزب کمونیست ایتالیا در پارلمان ● هیأت نمایندگی شورای شهرداری رم ● نمایندگان سازمان ملل ● هیأتی از جانب کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا به سرپرستی آلفردوزولا ● خانم فرانکاتریسکو مشاور بهداشت و امنیت اجتماعی شهرداری رم ● هیأت نمایندگی سازمان جوانان کمونیست ایتالیا به سرپرستی مارکو فوماگالی ● خانم لدا کلمبینی نماینده حزب کمونیست در مجلس.

این تلگرام‌ها تا کنون از طرف شخصیت‌های ایتالیایی مخابره شده:

- خانم جانکارلا کدریلیانی نماینده چپ مستقل در پارلمان ● استادان پلی‌تکنیک تورینو چسون، بوزانو، بکاری، تدرسکی، مونگاتو و استادان دانشگاه‌های دیگر ● خانم لیتا آگریزه مشاور شهرداری رم ● آقای دیگو نولوی شهردار تورینو و مسئول کل شهرداران ایتالیا ● خانم آدا اسکالی ناظر در استانداری رم

بقیه در صفحه ۵

کارگران جهان پیگرد، شکنجه و اعدام توده ایها را محکوم می کنند

اسپانیا

چشم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر که امسال با شرکت ده ها هزار تن با شکوه هرچه تمام تر در بارسلن برگزار شد، جلوه دیگری از همبستگی زحمتکشان و کارگران و دمکرات های این شهر با حزب توده ایران و توده ای های دربند بود.

در طول تظاهرات پارچه های منقش با شعارهای "به اختناق و شکنجه در ایران پایان دهید"، "زنده باد همبستگی بین المللی با زندانیان توده ای" و "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران"، و مزین به گل سرخ

تهدید و ارباب به کک چاق، نقشه خود را عملی سازند.

خشم کارگران آگاه و مقاومت آنان در برابر زورگویی چماقداران رژیم جمهوری اسلامی، باعث شد چماقداران رژیم محل تظاهرات را ترک کنند و آن گاه غریب "مدافعین دژخیمان را در صفوف ما جایی نیست"، "شکنجه گران توده ای ها، بیرون!" از جمعیت برخاست و تظاهرات، به صحنه ابراز همبستگی پر شور با حزب توده ایران و اعضای آن بدل شد.

رفقا آزادی کا، رهبر حزب کمونیست و گرگوری لویز ریوندو، دبیر اول حزب سوسیالیست متحده

اسلامی در این مراسم، به طور وسیع در مطبوعات اسپانیا منعکس گردید. روزنامه کثیرالانتشار ال پائیز، خبر و عکس چماقداران را چاپ کرد. سخن گوی کمیته های کارگری بارسلن، طی مصاحبه ای با رادیو ملی اسپانیا اظهار داشت اخراج جلادان توده ای ها از صفوف فشرده کارگران و دمکرات های بارسلن که پشتیبان توده ای ها هستند، نشانه غرور آفرین همبستگی آنان با کارگران ایران است.

هندوستان

امسال در سطح ایالات و شهرهای هندوستان مراسم اول ماه مه، روپ جهانی کارگر با شکوه هرچه تمام تر برگزار گردید. در بسیاری از مراسم تظاهرات و راه پیمایی هایی که بدین مناسبت ترتیب داده شد، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شرکت داشتند. حضور آنان بار دیگر همبستگی پر شور کارگران، زحمتکشان و افراد مترقی حاضر در مراسم را با حزب توده ایران و زندانیان توده ای، فدایی و سایر دگراندیشان برانگیخت. غریب "محکوم باد روش های بربرمنشانه حکومت جمهوری اسلامی علیه مبارزین راه آزادی و عدالت اجتماعی" و "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" ... در روز جهانی کارگر، نشانه همبستگی پر شور همه کسانی که به خاطر اهداف والای بشری می رزمند بود و پیوند آنان را با زحمتکشان میهن ما و سازمان های آنان دگر بار تجدید کرد.

● در تظاهرات اول ماه مه در دهلی نو، پیام مشترک هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بدین مناسبت به زبان هندی خوانده شد که در آن ضمن تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان



آرم حزب توده ایران، توسط هواداران حزب در بارسلن و سایر تظاهرکنندگان حمل می شد و اعضای کمیته همبستگی با ایران نیز پرچم سدرنگ میهنان را که بر آن شعار همبستگی نقش شده بود، حمل می کردند.

در این میان گروهی از هواداران حکومت سرکوبگر ایران، قصد داشتند به صفوف تظاهرات رخنه کنند، اما از آنجا که با مخالفت سرسختانه کارگران و سایر تظاهرکنندگان روبرو شدند، کوشیدند با توسل به شیوه زور با

ایران با برادران هندی خود، چهره ضدبشری رژیم حاکم بر ایران هرچه بیشتر افشا گردید.

● در میتیگی که در این روز در شهر بارودا تشکیل شد، سخنرانان که همگی از مسئولین اتحادیه های کارگری هندوستان بودند، در خلال نطق های خود به تشریح جو فشار و خفقان موجود در ایران و شکنجه و کشتار میهن دوستان پرداختند و مسانعت دولت جمهوری اسلامی از فعالیت سندیکاها و اتحادیه های کارگری و پیگرد فعالین جنبش کارگری ایران را محکوم کردند.

● هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ضمن حضور در این مراسم، پیامی در اجتماع کارگران خواندند.

● مراسم اول ماه مه در شهر لودیانا (مرکز ایالت پنجاب)، عرصه دیگری از ابراز همبستگی کارگران هندوستان با زحمتکشان ایران و محکوم کردن جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی بود. هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با شرکت خود در کردهم آبی های کارگران این شهر، پیام آور دوستی و مودت کارگران ایران، به نام حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با کارگران هندوستان بودند و رهبران اتحادیه های کارگری شهر، ضمن تشریح سیاست های حکومت راست گرای ایران و هم سوئی آن با سیاست های ارتجاعی دولت زیگان، کارگران بودیانا را به همبستگی هرچه گسترده تر با حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و اعضای دربند آنان و سایر نیروهای مترقی که تحت پیگرد، بازداشت و شکنجه عمال رژیم قرار دارند، فراخواندند.

بقیه در صفحه ۵

**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان
سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

کشورهای اروپائی، صحنهٔ عربده‌کشی‌های قداره‌بندان "انجمن اسلامی"

خشم کارگران اسپانیایی و هواداران حزب خنثی شد، جرأت یورش‌های افسارگسیخته چماق‌داران را گرفت و فریو "شکنجه‌گران توده‌ای بیرون!" که تظاهرکنندگان هم صدا با هم آن را سردادند بدرقه فرار آنان از مهلکه شد.

وقایع چند هفته اخیر در اروپای غربی، در ایتالیا و اسپانیا رنگ خطری است که به صدا درآمده و از وقایع شومی خیر می‌دهد که "انجمن‌های اسلامی" و دیگر عمال رژیم جمهوری اسلامی به عنوان فرزند خلف رژیم شاه و شیوه‌های سرکوبگرانه آن حتی در خارج از کشور در پی آفریدن آنند.

تمام ایرانیان مبارز و میهن‌دوست وظیفه دارند با اتحاد و یکپارچگی خود، چنانکه در ایتالیا به ثمر نشست و با تکیه بر دوستان خارجی و انسان‌های آزادی‌خواه در کشورهای محل اقامت خود به این خیره‌سری‌ها و تشبیهات فاشیستی لگام زنند. نباید اجازه داد عمال ارتجاع، سرکوب و خلفان را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش دهند. هرچه در توان داریم در راه افشا و مقابله با این اعمال به کار بندیم!



چماق‌داران، تحت عنوان دانشجویان دمکرات متحد شدند و با پخش اعلامیه، جنایات رژیم در ایران و فرزندان خلف آنان در خارج را افشا کرده و می‌کنند. رادیو و تلویزیون و تمام رسانه‌های گروهی کاتانیا، احزاب و سازمان‌های دمکراتیک محلی از جمله حزب کمونیست ایتالیا این اعمال را شدیداً محکوم کرده‌اند. جالب توجه است که پلیس چند نفر از این چاقوکشان حرفه‌ای را پس از ۲ - ۴ روز بازداشت، به بهانه "محضوریت" سیاسی آزاد کرده است تا باری دیگر حادثه و یا جنایتی تازه

عمال حکومت ارتجاع، منحرفین و اوباشانی که در اروپای غربی در انجمن‌های به اصطلاح "اسلامی" گردآمده‌اند، تا پیام‌آور حکومت "مستضعفان" در این کشورها باشند، نمایی از آنچه که واقعیت سرکوب و اوباشگری و تروریسم دولتی در ایران است در خیابان‌های اروپا به صحنه آوردند. اعضای انجمن "اسلامی" شهر کاتانیا سیسیل در ایتالیا یا الهام از رهنمودهای رهبران خود در ایران و شیوه‌های مافیایی رایج در محل، روز ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت)، به دانشجویان مترقی و مبارز، برخی از هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و گروهی دیگر از دانشجویان مترقی، دمکرات و شدامیریالیست حمله بردند و با ضرب چاقو و زنجیر و پنجه‌پوکس و... آنان را مجروح ساختند. ضربه چاقویی که از پشت به یکی از دانشجویان وارد شد به شش وی آسیب رساند. این دانشجوی مدتی تحت مراقبت‌های ویژه در بیمارستان قرار گرفت و سرانجام جراحی شد. پس از وقوع این حوادث دانشجویان مبارز و فعال در این شهر برای مقابله با اعمال فاشیستی

کارگران جهان بیگرد، شکنجه‌و

بقیه از صفحه ۴
در مراسم تظاهرات اول ماه مه در مدرسه، پیام سازمان حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به زبان محلی خوانده شد. تجمع کنندگان، قطعنامه‌ای در همبستگی با زندانیان توده‌ای و فدایی و سایر نیروهای مترقی صادر کردند. در این قطعنامه، جنایات رژیم جمهوری اسلامی در حق مبارزین دگراندیش ایران محکوم شد و ضمن قدردانی از تلاش‌های خانم ایندیراگاندی، نخست وزیر این کشور به منظور خاتمه دادن به جنگ میان ایران و عراق، از او به عنوان رئیس جنبش عدم تعهد خواسته شد، این کوشش‌ها هم چنان ادامه یابد.

اعتصاب غذا در ایتالیا علیه...

بقیه از صفحه ۴
رافائل بالدین خبرنگار و حضور همیرو سندیکای کارگران ساختمانی استان وندو. از جاذب نیروهای مترقی خارجی تلگرام‌هایی - تا کنون - به کمیته اعتصاب مخاپره شده که در زیر به اسامی برخی از آنان اشاره می‌شود:
● جبهه نجات ملی لبنان ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی در اروپا ● حزب کمونیست عراق ● انجمن دانشجویان کرد در اروپا ● حزب کمونیست یونان در ایتالیا ● سازمان حزب کمونیست شیلی در تورینو ● حزب کارگری انقلابی آرژانتین در تورینو ● هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در تورینو ● هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در تورینو ● اتحادیه ویتنامی هادر تورینو.

- توریو ● سندیکای سراسری کارگران ساختمانی، وابسته به کنفدراسیون عمومی کار ● انجمن ملی پارتیزان‌های ایتالیا در رم ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در کامپانیا ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در توریو ● مرکز تربیتی حرفه‌ای سینما در رم ● خانه ملی سینما در استان لاسیو ● هیأت متلفه شهرداری فرارا ● انجمن ملی ضد شکنجه در رم ● انجمن زنان برزیلی در ایتالیا ● جنبش ملی مبارزات برای صلح ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در پلونا ● مرکز فرهنگی کاپرال در پلونا ● حزب سوسیالیست کارگری ایتالیا ● فدراسیون متحده کارگران تولیدات شیمیایی در یاد و ● اتحادیه ایتالیایی کارگران در توریو ● جامعه حقوق و آزادی خلق‌ها ● اتحادیه زنان ایتالیا در توریو.

آیابی حجابی فحشاء علنی است؟

شوخی نیست...!

دیوار اسلامی!

"... در همه کارها افراط و تفریط بد است. با توجه به مسئله حجاب و پوشش اسلامی و موازین اسلامی، شنیده ام در بعضی از کلاس ها بین محل نشستن دانشجویران (دختر و پسر) دیوار گذاشته اند که این کار یک نوع تفریط است. برادران و خواهران در تمام جوامع، راه پیمایی ها، تظاهرات، اجتماعات، نماز جمعه ها و... در همه جا در کنار هم با رعایت موازین و مقررات اسلامی قرار دارند. این تندی ها و افراط کاری ها لازم نیست."

سیدعلی خامنه ای، در نماز جمعه (کیهان-۶۲/۲۲)

- آتش چنان شور شده که خان حاکم هم فهسیده!

آخرین خبر: قرار بود در سفینه فضایی که جمهوری اسلامی می خواهد به فضا بفرستد میان محل خواهر فضا نورد و محل برادر فضا نورد دیوار کشیده شود. پس از سخنان حجت الاسلام خامنه ای قرار شده دیوار را بردارند، در عوض خواهر فضا نورد را برای برادر فضا نورد سیفه کنند!

● احمد زرهانی نماینده دزفول: (کیهان، ۲۶/۲/۶۳)

"مجلس دوم... باید برای حل این معضلات اقتصادی چاره اندیشی کند و ثمره کار او طوری نباشد که در پایان دوره مثل امروز روزنامه هادر صفحه اول تیتر کنند که یک هیئت بازرگانی چهارصد نفره از ترکیه وارد تهران شد که این آمدن های سیل آسا، به منزله تشدید وابستگی هاست."

- ناراحت نباشید، آن موقع هیئت های چهار هزار نفره خواهند آمد! شاید هم سیل آمد و مجلس دوم را بردا! ● حجازی نماینده ماکو:

"عربستان سعودی که روی امواج طلای سیاه خوابیده، برای اداره ۷ میلیون نفر، روزی ۷ میلیون بشکه نفت صادر می کند، ولی با ۴ میلیون نفر آن در آتش فقر می سوزند، ولی کشور عزیز ایران تنها با حدود ۲ میلیون بشکه نفت، ۴۰ میلیون ایرانی به اضافه جنگ تحمیلی را به نحو قابل ملاحظه ای اداره می کند."

- عجب اداره ای! و عجب قابل ملاحظه ای! قابل ملاحظه اش که این است، غیر قابل ملاحظه اش دیگر چه جور است!

لباس اسلامی در معابر، مجامع عمومی - اختلاط و رفتارهای نامشروع زنان و مردان در پارک ها و تریاها و پیست های اسکی و پارک ها - مشروب خواری علنی و تظاهر به مستی - مراکز تهیه و تکثیر فروش نوارهای مبتذل موسیقی و ویدئو و هر عمل منکری که عفت عمومی جامعه اسلامی را مورد تهدید قرار دهد..."

ملاحظه می کنید که حتی اختلاط و گفتگوی زنان و مردان در پارک ها و پیست های اسکی، رگ غیرت این آقایان را به شربان شدید وامی دارد.

"عضو شورای عالی قضایی" در مصاحبه خود می گوید:

"حجاب از ضروریات فقه اسلام است. مسلم و غیر مسلم که در زمه اسلام اند حق ندارند تجاهر به منکرات کنند."

یعنی هر زن خارجی هم که پایش به ایران می رسد، در "زه اسلام" قرار می گیرد و باید بلافاصله از نظر لباس به دوران جاهلیت برگردد.

از این روسازمان دهندگان مبارزه با منکرات که پای استدلالشان چوبین است به ارباب متوسل می شوند و مرتکبین "منکرات" را به مجازات تشدید می کنند. چگونگی مجازات را حجت الاسلام مقتدایی، عضو شورای عالی قضایی روشن می کند. او پس از برشمردن موارد نظارت و اقدام گشت های افزایش:

"در اسلام مواردی داریم که اگر جرم تشدید پیدا کرد، شخص اعدام خواهد شد... و اگر مرتبه سوم این جرم را مرتکب شد حکم او اعدام است."

البته بعضی از بزرگان و فقها برای رعایت انسان دوستی و رأفت اسلامی احتیاط می کنند و "مرتبه چهارم حکم را اعدام می دانند!"

مضحک ترین بخش مصاحبه آقای بجنوردی آنجاست که جنبه های دمکراتیک کار این گشت ها را توضیح می دهد. او می گوید:

"روش کار واحدهای این گشت عبارتست از: تذکر، اخطار، دستگیری در موارد مربوط به بی حجابی و عدم رعایت پوشش و لباس اسلامی، در درجه اول به وسیله دو نفر از خواهران، تذکر و ارشاد با

بقیه در صفحه ۷

تازه ای از خود ساخته و میان "فحشاء علنی" و "عدم رعایت پوشش اسلامی" در معابر و مجامع عمومی، علامت تساوی می گذارند!

بازگردنی نیست ولی واقعیت دارد. در جمهوری اسلامی، کسانی حکم می رانند که بدون احساس ذره ای شرم، مردمی که پیش از تسلط مطلق قشری ها متولد شده اند، زادگان محیط "فحشای علنی"

می نامند و سپس خود پندانه با دگر عبا می اندازند و عازم حرمسرای خویش می گردند، جایی که ده ها زن محروم را به صورت عقدی و سیفه زندانی کرده اند.

آقای "حجت الاسلام" دو آتشه مسلمان، در واقع مدعی شده است در سراسر کره زمین و در همه کشورها، فحشای علنی حکومت می کند و تنها استغناء ایران به گورستان تبدیل شده و شاید هم عربستان سعودی است که در آنها با ۷۴ ضربه شلاق حساب آن

زنانی را می رسند که بخواهند به عنوان عنصر مساوی الحاق جامعه در معابر و مجامع ظاهر شوند.

واقعا چه اندوهی بزرگتر از این که در دوران سفرهای کیهانی و شکافتن هسته اتم در میهن رنج کشیده ما این گونه مرتجعین سالوس صاحب اختیار جان و مال و ناموس مردم باشند.

تنها چیزی که "حجت الاسلام" فراموش کرده، اینست که بگوید، طی این هزار و چهارصد سال علت پیشرفت های محیرالعقول عربستان، مبارزه با منکرات و بی حجابی بوده و گویا اکنون در همان گرانیکاه اسلام است که هسته اتم را شکافته اند و دارند تدارک سفر به

سیارات دیگر را می بینند!

آقای موسوی بجنوردی، پس از اینکه مژده می دهد: "برای جلوگیری از شیوع فحشاء، منکرات و فسق و فجور علنی در سطح شهر تهران، گشتی متشکل از خواهران و نیز گشتی های برادران متدین - متعهد - متأهل و آگاه به مسائل شرعی و اخلاقی و رفتار اسلامی به نام گشت کمیته انقلاب اسلامی تهران تشکیل شده است"، موارد نظارت و اقدام این

گشت را چنین اعلام می کند:

"منکرات و فحشای علنی، شامل بی حجابی و عدم رعایت پوشش و

هفته اول خرداد ماه جاری که از طرف سازمان دهندگان تبلیغات جمهوری اسلامی "هفته حجاب" اعلام شده بود با برپایی "سینار هفته حجاب" پایان یافت.

در شرایطی که جنگ خانمانسوز بخش عظیمی از نیروی انسانی و منابع مالی میهن ما را می بلعد و بار سنگین بی کاری، گرانی و کمبود پشت زحمتکشان را خم کرده و خفقان و سرکوب فاشیستی، فضای غیرقابل تنفس در ایران ایجاد کرده است، مسئولین وابسته، قشری و عقب افتاده جمهوری اسلامی، ناتوان از حل معضلات اساسی جامعه ما، تهدید و اعمال فشار به زنان را تشدید می کنند. نمایش مسخره هفته حجاب و سینار آن با بی اعتدایی مزدم روپزو شد. خامنه ای عدم رضایت خود را در ملاقات با جمعی از زنان عضو حزب حاکم، حزب جمهوری اسلامی این گونه بیان داشت:

"... آنچنان که شایسته بود، این سینار انعکاس نیافت و بر روی آن کار اساسی صورت نگرفت. وی تأکید کرد "بر روی مسئله حجاب باید کار هنری (!) صورت گیرد تا این مسئله در ذهن این عده جای بگیرد!" (راددیو ایران-۶۲/۲۱)

آنجا که استدلال ناتوان است، زور به میدان می آید. مرتجعین حاکم بر میهن ما نیز برای تحمیل چگونگی رفتار و پوشش مورد نظر خود به زنان تهدید و توهین را پیشه کرده اند: خامنه ای در نماز جمعه ۲۱ اردیبهشت ۶۳، تمامی مردم ایران را یکسره از نسل فساد و فحشاء می خواند و حکم می کند:

"... یک روز این مملکت غرق در فساد بود، یک روز دخترها و پرهایی از اساسی ترین اهدافشان مسائل جنسی و مسائل مربوط به همین بی بند و یاریها بود... و تهدید می کند که عدم رعایت ضوابط تحمیلی از جانب آنان "... برادران و خواهران حزب الله را به عکس العمل و ادار خواهد کرد" (نماز جمعه همان تاریخ).

حجت الاسلام سید محمد موسوی بجنوردی، عضو شورای عالی قضایی نیز در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی و دفتر مرکزی خبر، قواعد

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

هم میهنان گرامی! مردم مبارز و قهرمان ایران!

پیگرد، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان شام، کسانی که همه خواست و آرزویشان آزادی میهن و بهر روزی مردم ایران است، همچنان دامنه گسترده تری می یابد. زمامداران جمهوری اسلامی که علی رظم زندان و شکنجه و اعدام فداییان، توده ای ها، مجاهدین و دیگر مبارزان میهن پرست، نتوانسته اند سازمان های ضد امپریالیست و مردمی را درهم بشکنند، اکنون توطئه های جنایتکارانه تازه ای را علیه فداییان خلق ایران به اجرا درمی آورند. در نتیجه پیگیردهای وسیع، هجوم به خانه ها، محله گردی، قرق خیابان ها و میدان ها و کنترل کلوگاه شهرها به کمک مزدوران و خودفرورختگان و با بهره گیری از بایگانی اطلاعات ساواک، طی ماه های اخیر، عده دیگری از مسئولین و کادرهای سازمان ما اسیر و ربوده شده اند. تنها در شهر اهواز مزدوران رژیم و دستجات اوپاش حکومت نزدیک به ۵۰ نفر از فعالین

سازمان ما را بازداشت و به شکنجه گاه ها بردند. به علاوه زمامداران جمهوری اسلامی که تا کنون نتوانسته اند به رهبری سازمان دست یابند، به تشدید شکنجه فداییان اسیری که از پیش از دو سال قبل در زندان به سر می بردند، روی آورده اند. دژخیمان به ویژه برای از پادار آوردن عده ای از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و بسیاری از کادرهای سازمان که مدت ها است در زندان اوین و دیگر شکنجه گاه های رژیم به گروگان نگاهداشته شده اند، همه امکانات خود را به کار گرفته اند. بیش از یک سال است رهبران جمهوری اسلامی این رفقای ما را به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها کشیده اند تا آنها را بشکنند و تسلیم کنند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اعلام می دارد؛ رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان از مبارزان شناخته شده جنبش انقلابی ایران نیز در تابستان سال گذشته مورد شناسایی، تعقیب و مراقبت مأمورین و مزدوران رژیم زندان به سر می برد اعلام می کند.

این اسامی به دلایل امنیتی و نیز نقص اطلاعات تنها شامل بخشی از کادرهای پرسابقه سازمان فداییان خلق ایران است:
رحیم اسداللهی، صد اسلامی، علیرضا اکبری شاندیز، حسین بهبودی پشته، علی پرهیزی، رضی الدین تابان، مینا چریزی، محمد چودکی، مهرانگیز رضانی، ناصر شعاع آذر، صدرشمالدین، زهره صدیق تنکابنی، محمدرضا غبرائی، بهروز غیاثوند، محسن فارسیانی، تقی قانع خشکه بیجاری، انوشیروان لطفی، اکبر مرادیان، بروجنی، جواد ملاحسنی، محسن میرزاپور، فرهاد نگهدار، علیرضا نویری، منی نیکویی.

هم میهنان گرامی! انقلابیون و میهن پرستان ایران!

جان فداییان زندانی در معرض خطر جدی است. در دفاع از این فرزندان مبارز و هم زمان پاک باخته، صدای خود را راستر کنیم.
برای خنثی کردن توطئه های حکومت علیه انقلابیون و میهن پرستان برای قطع شکنجه و کشتار فرزندان خلق همگی و با تمام نیرو بکشیم فداییان، توده ای ها، مجاهدین، مبارزین انقلابی و همه میهن پرستان اسیر، از هر گروه و سازمان میهن پرست و ترقی خواه، این اندیشه و خواست را دارند که همه انقلابیون و میهن پرستان نیروی خود را در دفاع از آنها، به طور مشترک و هم آهنگ به کار گیرند. به خواست هم زمان دربند خود پاسخ مثبت دهیم.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترقی خواه جهان، از همه سازمان ها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی دعوت می کند، در دفاع از رفقای دربند ما و همه اسیران انقلابی و میهن پرست که در زندان های جمهوری اسلامی دربندند و زیر شکنجه های مرگبار قرار دارند، صدای اعتراض خود را راستر سازند.
کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۶۳/۲۱۵

آیابی حجابی فحشاء علنی است؟

بقیه از صفحه ۶

روش کاملاً محترمانه و دوستانه و با استفاده از وسایل ارشادی از قبیل نوشته، کتاب، بیان کیفیت حجاب اسلامی و اثرات آن به عمل می آید و در صورتی که خاطی نپذیرفت او را به داخل ماشین خواهران هدایت و در آنجا به ارشادش می پردازند و در صورت مجاب نشدن به او اخطار می نمایند که در صورت تکرار این قبیل رفتارها او را تحویل مراجع قضایی خواهند داد. در صورتی که این پارتیز نپذیرفته و بر عمل خلاف خود اصرار نماید او را به مقر گشت منتقل و پرونده قضایی برای او تشکیل خواهند داد. در جمیع این مراحل برادران از فاصله های متناسب مواظب خواهران و اتوموبیل آنها بوده و در اقدامات ارشادی آنها دخالتی نخواهند داشت.
مسلمانان این تهدید و فشار علنی را نمی توان رفتار "محترمانه

و دوستانه" گذاشت. این خواهران ارشادگر که به علت قشریگری مطلق و تعصب جهالت آمیزشان برای این "شغل شریف" برگزیده شده اند، زنان را دستگیر می کنند و می کوشند با تکرار مطالبی که طوطی وار حفظ کرده اند آنان را مرعوب سازند و وقتی با واکنش و استدلال قاطع و دندان شکن زنان آگاه روبرو شوند، قادر به پاسخ دادن نیستند و به تهدید و توهین متوسل می شوند و پس از آن کار به شلاق زدن توسط برادران می کشد و در صورت ادامه مقاومت به اعدام منجر می گردد.
دوران تسلط مستبدین و زورگویان برخلاف آنچه می پندارند، همیشگی نیست. رضاخان قلدر نیز که داعیه "پدیری" مردم ایران را داشت، برای تحمیل تمدن آنچنانی و به زور سرنیزه حتی چادر از سر پیروزان برگرفت. اما پس از سقوط

دیکتاتوری، زنان ایران بر حسب سن و معتقدات و کار و حرفه شان، پوشش مناسب خود را برگزیدند. تحمل پوشش قرون وسطایی و دست و پاگیر نیز فقط تا زمانی که پاسداران فاشیسم، با اسلحه بر مردم مسلط اند ادامه خواهد یافت. امروز مردم ایران بیش از پیش به این واقعیت پی می برند که بدون رهایی از شر این انسان های متعلق به قرن های گذشته، راه به سوی خوشبختی و بهر روزی خلق های ایران گشوده نخواهد شد. باید با کار پی گیر و پرحوصله، ماهیت زشت و ارتجاعی این انسان ضاهای آلت دست غارتگران را برای توده های معتقد به مذهب روشن کرد، تا زمینه برای کوتاه کردن دست آنان از اموری که در صلاحیتشان نیست فراهم گردد.

سرنوشت غم انگیز کودکان در جمهوری اسلامی

تنها در یک شماره روزنامه کیهان، این خبرها درباره کودکان و حوادثی که برای آن‌ها روی داده است، به چشم می‌خورد:

● کودک ۲ ساله‌ای به نام علی سلیمانی، اهل همدان با کشیدن سیم برق سماور برقی باعث واژگونی سماور به روی خود شد که در نتیجه ۱۵ درصد از بدنش دچار سوختگی شد.

● کودک یک ساله‌ای به نام مرضیه هنگام بازی با خواهر بزرگ‌ترش در اتاق با چراغ خوراکی پزی برخورد کرد که در نتیجه محتویات قابل‌مصرفی چراغ به روی او واژگون شد و بخش وسیعی از بدنش سوخت.

● کودک ۵ ساله از کف پوسیده مینی‌بوس سقوط کرد و زیر چرخ‌ها له شد.

● آب جوش درون فلاسک به روی کودک هشت ماهه‌ای ریخت و او را سوزاند. (کیهان-۶۲/۲/۱۲)

در هر شماره دیگری هم که صفحه حوادث را نگاه کنید، یکی دو خبر در باره کودکان و حوادثی که برای آن‌ها رخ داده است، خواهید یافت:

● کودک ۲ ساله‌ای سیم را درون پریز برق کرد و دچار برق‌گرفتگی شد. (کیهان-۶۲/۱/۲)

● کودک ۲ ساله‌ای هنگام خواب در تنور کرسی افتاد و سوخت. (کیهان-۶۲/۱/۲۷)

● کودک ۲ ساله‌ای به علت دست کردن به داخل چرخ‌گوش، چهار انگشت دست راستش قطع شد. (کیهان-همان شماره)

● پوست پسته راه تنفس کودک هشت ماهه‌ای را بند آورد و او را کشت. (کیهان-۶۲/۲/۲)

● کودک ۲ ساله‌ای، وقتی که در حیاط منزل‌شان مشغول بازی بود، به درون قابلمه آب‌جوش افتاد و سوخت. (کیهان-۶۲/۲/۴)

● پسر بچه ۱۰ ساله‌ای به خاطر سرد بودن هوا مبادرت به روشن کردن آتش روی باز کرد که در این میان آتش به او سرایت کرد و بخش وسیعی از بدنش سوخت. (کیهان-همان شماره)

● پسر بچه ۵ ساله‌ای دچار برق‌گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. علت برق‌گرفتگی جدا شدن سیم برق از کنتور همسایه بود که به زمین افتاده بود. (کیهان-۶۲/۲/۵)

● ناصر صابری ۲ ساله به علت دست کردن به داخل چرخ‌گوش در انگشتش له شد.

● زهرا سلیمانیان ۵ ساله به علت سقوط در چاهی واقع در خیابان ولی‌عصر کشته شد. (کیهان-همان شماره)

● دختر بچه ۴ ساله‌ای در تصادف با اتومبیل جان خود را از دست داد. (کیهان-۶۲/۲/۱۱)

● اجساد دو پسر بچه خردسال که به قتل رسیده‌اند، در یک انبار متروکه ... کشف شد. (کیهان-۶۲/۲/۲)

و دردناک چیست؟ شاید روزنامه‌ها و مقامات جمهوری اسلامی برای منحرف کردن اذهان از علل اصلی، بخواهند علل جزئی و درجه دورا عمده کنند و از بی‌احتیاطی کودکان و بی‌توجهی والدین سخن بگویند. اما با تأکید بر این که علل اصلی همچنان به جای خود باقی است، باید افزود این حوادث منحصر به کودکان و نوجوانان هم نیست. بزرگ‌ترها هم هر روز چار و فریانی این حوادث می‌شوند: برق‌گرفتگی، سقوط در چاه، زیر آوار ماندن، حوادث کار، حوادث



رانندگی در شهرها و جاده‌ها و ده‌ها حادثه دیگر در میهن زجر کشیده ما جزو رویدادهای عادی و روزمره درآمده است. چیزی که هست کودکان ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرترند.

علت اصلی بی‌مسئولیت بودن رژیم و حاکمیت است. هر رژیم خودکامه‌ای، چه شاهنشاهی باشد و چه جمهوری اسلامی، از آنجا که خود را در برابر مردم مسئول و پاسخ‌گو نمی‌داند، سرگرم مسائلی می‌شود که برای خود او مهم است نه برای مردم. و اگر هم بخواهد توجه کند، بنا به خصلت خود تنها به مجازات و تشدید مجازات بعد از حادثه می‌اندیشد، نه به پیشگیری.

علت دیگر فقر مادی و فرهنگی مردم است. وقتی که مردم ناچارند هنوز

این خبر که خبر "ساده" یکی از ده‌ها حادثه‌ای است که برای کودکان نگون بخت ما رخ می‌دهد، بعداً به این صورت وحشتناک "اصلاح" شد:

● پدری که در پی جدا شدن از همسرش، نگهداری فرزندان را به عهده گرفته و سپس از انجام آن ناتوان مانده بود، آنان را کشت و اجسادشان را در داخل یک انبار متروکه رها کرد. مقتولین هشت ساله و ده ساله بودند. پدر با کوبیدن سنگ بر سر فرزندان خود آنان را به قتل رساند. (کیهان-۶۲/۲/۴)

پدر سبب قتل پسران خود را "بازیگوشی بچه‌ها" ذکر می‌کند!

● ● ●
علت روی دادن این حوادث غم‌انگیز

هم مانند عهد دقیانوس کرسی بگذارند (آن هم کرسی با تنورا) روی دادن حادثه اجتناب‌ناپذیر است. وقتی که خانواده‌ای یک اتاق اجاره می‌کند و همان اتاق باید آشیزخانه‌اش هم باشد و کودکانش هم ناچارند در همان اتاق بازی کنند و مادر هم به دنبال کار دیگری رفته است، بدیهی است که بچه‌ها سماور یا چراغ خوراکی پزی را روی خود برمی‌گردانند یا نوزاد هشت‌ماهه پوست پسته را از زمین برمی‌دارد و می‌بلعد و خفه می‌شود. اگر هم گناه را به گردن بی‌توجهی و بی‌احتیاطی پدران و مادران ببندازیم باز بار اصلی گناه این فقر فرهنگی به دوش رژیم و حاکمیت است که در راه آموزش دادن و آگاه کردن مردم کوچک‌ترین گامی برداشته است.

رادیو و تلویزیون رژیم در هر شبانه روز ساعت‌ها برنامه دارند و گوش مردم را با میاه‌های تکراری و ملال‌آور تبلیغاتی‌شان کر می‌کنند و با نوحه‌ها و زاری‌های خارج از اندازه‌شان دل مردم را به درد می‌آورند، آن وقت همین رادیو و تلویزیون حتی یک برنامه پنج دقیقه‌ای آموزشی ندارد که بگوید

پدران مادران مراقب باشید فرزندانتان با برق بازی نکنند یا دست توی چرخ‌گوش نکنند. مکرر و مکرر در روزنامه‌ها می‌خوانیم که:

باز هم چرخ‌گوش حادثه آفرید! وقتی دختر بچه مسافری از کف پوسیده مینی‌بوس سقوط می‌کند و زیر چرخ‌های آن له می‌شود، فرمانده پاسگاه پلیس راه می‌گوید:

"با توجه به این که بارها به راننده مینی‌بوس تذکراتی در مورد درست کردن وضعیت ماشین داده بودیم، ولی به خاطر داشتن پرک معاینه، ماهیچ گونه اقدامی نمی‌توانستیم بکنیم." (۱) (کیهان-۶۲/۲/۱۲)

از سوراخ سوزن گذاشتن واژدروازه رد نشدن همین است! آقایانی که چیزی به نام قانون و احترام به قانون نمی‌شناسند، هر موقع اراده کنند به خانه‌های مردم هجوم می‌برند و آن‌ها را بازداشت می‌کنند، محکوم به زندان را هر زمان که بخواهند، اعدام می‌کنند، حالا سخت پایبند قانون شده‌اند. می‌بینند مینی‌بوس نقص

بقیه در صفحه ۱۴

منع کار کودکان، خواست به حق مردم ایران

● شرایط کار کودکان و نوجوانان در ایران دردناک و غیرانسانی است!
● کودکان و نوجوانان باید در سنین رشد از امکانات مناسب آموزش و پرورش برخوردار شوند!

● کارگران منع کار کودکان در قانون کار جدید را خواستارند!
● در قانون کار پیشنهادی دولت، کار کودکان جنبه قانونی به خود می گیرند!

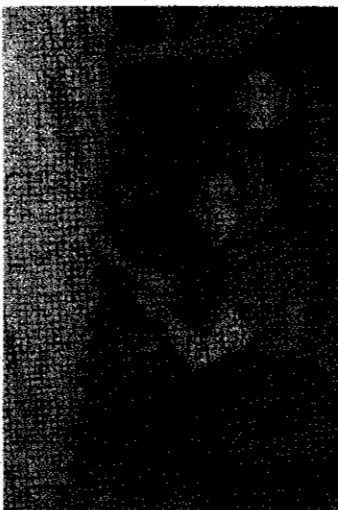
کارفرما، ... این توده زحمتکش، اغلب بی سوادند!
بدین ترتیب چینی به نام مزرعه، کارگاه، کارخانه، کوره پزخانه و ... شیرین ترین ایام زندگی فرزندان زحمتکشان مینماید ما را بی بعد و داغ محرومیت را برای همه عمر بر پیشانی آنها می زند تا جیب مشتی سرمایه دار و زمین دار بزرگ انباشته تر شود.

مبارزه برای منع کار کودکان

منع کار کودکان و بهبود شرایط زندگی صدها هزار تن از کارگران کم سن و سال، همواره یکی از خواسته های اصلی طبقه کارگر ایران و نیروهای مترقی بوده است. رژیم ضد مردمی شاه در منگنه این مبارزات و به رغم خواست خود موادی در قانون گنجانید که کار کودکان کمتر از ۱۲ سال را ممنوع اعلام می کرد. و نیز در زمینه استفاده از کار کودکان به برخی محدودیت ها تن در داد. این تنها ظاهر امر بود: آمارهای رسمی خود رژیم نشان می دهند که در عمل، چه سیاسی در قبال زحمتکشان کم سن و سال پیش برده می شد.

در سال های پس از انقلاب، مبارزه برای دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان زحمتکش توسط نیروهای مترقی و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و نیز سندیکاها و نهادهای کارگری ابعاد گسترده تری به خود گرفت. اما مسئولین جمهوری اسلامی ایران برای تأمین حقوق کودکان و نوجوانان زحمتکش کوچک ترین گامی برنداشتند.

توکل، وزیر سابق کار برای استثمار توده های محروم حد و مرز سنی قائل نبود و کار کودکان را تحت عنوان "روابط سنتی شاکرد و استادی" با اجازه والدین! شرعی و قانونی می شمرد. به رغم اعتراضات گسترده کارگران به این مسئله در قانون کار جدید نیز کار کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله تحت عنوان "کارآموز" به رسمیت بقیه در صفحه ۱۵



اسفندی ماه ۱۳۳۲، ۱۴ ساله داد ۳۰۰۰۰ سال است که ۱۳ می باشد سواد ندارد. از ۶ صبح تا ۱۱ شب کار میکند ۲۳ تومان دستمزدی است (ده آنگو)

کارگاه های صنعتی - خدماتی شهرها، یکی از مهم ترین مراکز جذب نیروی کار کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهند. در کمتر کارگاه ریخته گری، تراشکاری، نجاری، پلوسازی، تعمیرگاه اتوموبیل، کاراژ و ... است که در آن نشانی از کارگر کمتر از ۱۵ سال نباشد.
برای کارفرمایان ایرانی، مانند همه هم مسلکانشان در سراسر جهان، استفاده از کار کودکان، سودآور و بی دغدغه است. کارگران کم سن و سال در ازای کار مشابه با دیگران، دستمزد بسیار ناچیزی می گیرند. حتی تا ۱۲ ساعت در روز هم کار می کنند. نه از حق بیمه و بازنشستگی آگاهی دارند و نه قانونا چنین حقی به آنها تعلق می گیرد. اخراج نوجوانان کارگر بسیار ساده است. نوجوانان کارگر نه عضو سندیکا هستند و نه راه وزارت کار را برای شکایت و پی گیری حقوق خود می شناسند. البته بردشواری های کار کودکان و نوجوانان، باید این موارد را هم افزود: برخورداری از سطح نازل آموزش فنی، محیط های کار کاملا غیر بهداشتی و غیر ایمن، مشکل مسکن، اجبار به انجام کارهای سنگین و شپانه، تحقیر و آزار و حتی تنبیه بدنی توسط

بزرگ ناشی می شود) به طور مسدادم، افزایش یافته است.

شرایط دردناک کار کودکان

برابر آمار رسمی، بیش از ۶۰٪ کودکان و نوجوانان کارگر در روستاها و بخش ها کار می کنند. کودکان و نوجوانان روستایی، به طور عمده در بخش های کشاورزی، دامداری و نیز در کارگاه های قالی بافی به کار اشتغال دارند. توده عظیمی از نوجوانان روستایی در پی یافتن شغل به همراه افراد بزرگسال محل زندگی خود، به شهرهای بزرگ روی می آورند.



بازی نمیکند، کربکند، سالی است که در این کارگاه کار می کند و کار سوادش از کار، که در این کارگاه کار می کند، فراوان است، این بچه ها، ماهی هر کار خواهد کرد، بعد آنکه مژه هادان کودکی خود را چشمه باشد.

مهاجرین کم سن و سال بیشتر به کارهای ساختمانی، کارگاه های پیشه وری مانند کفاشی، خیاطی و ... دست فروشی، مراکز تجاری شهرها و به ویژه بازار و کارهایی مانند یادویی می پردازند. بخشی از کودکان و نوجوانان نیز در کوره پزخانه ها و دیگر واحدهای تولیدی کوچک اطراف شهرها کار می کنند.

بیش از ۱۰۰ میلیون کودک و نوجوان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و نیز در کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین علی رغم منع کار کودکان توسط قوانین بین المللی و از جمله اعلامیه جهانی حقوق کودک و قوانین سازمان بین المللی کار ای. ال. او. در شرایط کاملا غیرانسانی مورد استثمار قرار می گیرند.

کشور ما ایران نیز یکی از کشورهای است که در آن از کار کودکان و نوجوانان در بخش های مختلف اقتصادی - صنعت، خدمات و کشاورزی - به طور وسیع استفاده می شود. طبق سرشماری سال ۱۳۵۵، به طور رسمی، حدود ۱۵۰ هزار نوجوان، تا ۱۴ ساله در عرصه های گوناگون رسماً کار می کردند. اما اگر اندکی در جداول آماری سرشماری نام برده دقیق تر شویم، رقم واقعی کودکان و نوجوانانی را که به جای رفتن به مدرسه و برخورداری از امکانات یک زندگی مناسب، در دشوارترین شرایط به کار می پردازند، به مراتب بیشتر از میزان اعلام شده می یابیم. در سال ۱۳۵۵، نزدیک ۲/۲ میلیون کودک و نوجوان ۶ تا ۱۴ ساله هیچ گاه به مدرسه راه نیافتند و جمع افرادی که در همین گروه سنی - هنگام سرشماری - به تحصیل اشتغال داشتند به ۲ میلیون نفر بالغ می شد. بدون تردید دلیل اصلی عدم اشتغال به تحصیل این توده عظیم، چیزی جز فقر و محرومیت در دآور خانواده های زحمتکش آنان نبوده است. از این رو طبیعی است که بخش عمده این ۲ میلیون نوجوان در کنار دیگر اعضای خانواده برای گذران زندگی و تأمین معاش روزانه مجبور به کار در مزارع و کارگاه ها و ... باشند.

این رقم چشم گیر در سال های پس از ۱۳۵۵ تا امروز، به علل تشدید روزافزون فقر توده های زحمتکش (که از ادامه روند استثمار بی بندوبار میلیون ها تن از کارگران و دهقانان توسط سرمایه داران و زمین داران

کارنامه بی افتخار و ضد مردمی

نمره فعالیت مجلس اول

نی توان بر آن گذاشت.

نکته جالب توجه آنست که برخی از این قوانین نظیر "توزیع عادلانه آب" رونوشتی از قوانین رژیم شاهنشاهی با "حجاب اسلامی" است و در مواردی مانند قانون "مالک و مستأجر"، مفاد آنها به مراتب بیشتر از مقررات مصوب رژیم مغزور پهلوی علیه منافع زحمتکشان است. قانون "مالک و مستأجر" مصوب مجلس همان قانون ارتجاعی آریامهری سال ۱۲۵۶ است، با حذف بندهایی که به طور ظاهری به نفع مستأجرین بود، به عبارت دیگر مجلس جمهوری اسلامی حتی خود را به طرفداری ظاهری از مستأجرین هم مقید ندید.

"اصلاحات ارضی" و "ملی کردن تجارت خارجی" از قوانین بسیار مهمی بودند که مجلس اول باید به آنها رسیدگی می کرد. کلیات طرح "اصلاحات ارضی" که با سرنوشت اکثریت بزرگی از مردم ساکن روستاهای ایران پیوند دارد، ابتدا در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۰ بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب و با عقب نشینی های جدی، به نفع کلان زمین دازان به تصویب مجلس رسید. در شور دوم اکثریت مجلس بازم به عقب نشینی دست زد و قانون نیم بندی به تصویب رسید که از سوی شورای نگهبان ارتجاع رد شد. از آن پس مسئله اصلاحات ارضی به فراموشی سپرده شد.

سرانجام لایحه ملی کردن تجارت خارجی از سرنوشت قانون اصلاحات ارضی نیز بدفرجام تر است. این لایحه پس از چند بار رد و بدل شدن میان مجلس و شورای نگهبان، در آخرین روزهای مجلس اول به صورتی تصویب شد که به گفته مخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه، بیس از اینسن "اصلاح"، "دولتی کسردن" نام بی مسامی بیش نبود و به ناگزیر عنوان آن به "نحوه اجرای بازرگانی خارجی" تغییر یافت. با این مصوبه مجلس در آخرین روزهای خود، لکه ننگ دیگری بر کارنامه بی افتخار و ضد مردمی خود افزود.

مصوبات مجلس در زمینه آزادی های سیاسی و اجتماعی کارنامه آن را سیاه تر ساخت. قانون فعالیت

سرمایه داری، زیر عنوان عدم انطباق با موازین شرعی رد شد و مجلس در بررسی مجدد خود، آنها را مطابق سلیقه شورای نگهبان سرمایه داران و بزرگ مالکان "اصلاح" کرد. گاهی انتقال بعضی از لواحق میان شورای نگهبان و مجلس آتقدر تکرار می شد تا عاقبت قانونی که به طور کامل در جهت تأمین منافع سرمایه داران و زمین داران و پایمال کننده مطلق حقوق زحمتکشان بود، به تصویب می رسید.

اگرچه در ابتداء اکثریت مجلس در مقابل شورای نگهبان از خود مقاومت نشان می داد و چندین بار نیز تلاش کرد با استناد به ضرورت و استفاده از احکام ثانویه از "دالان بهشت" عبور کند، اما با چرخش مجموعه حاکمیت به راست و به ویژه با نطق بالاترین مقام رهبری جمهوری اسلامی در بهمن ۶۱ که در مقابل نمایندگان مجلس ایراد شد، قوه مقننه پیش از بدیل شد. در این نطق به مجلس حکم شد:

"باید کاری کنید که اضطرار را شورای نگهبان قبول کند".

از سوی دیگر آن تعداد قوانینی که در اثر خواست قاطعانه و فشار مردم و نیروهای بی گیر انقلابی، به نحوی از انحاء مهر و نشان تأمین نیازهای توده های محروم را بر خود دارند (نظیر قانون اراضی شهری) چنان در محاق تدوین آیین نامه اجرایی و... افتادند که هیچ گاه به مرحله اجرا در نیامدند و مجلس نیز در مقابل عدم اجرای آنها هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نداد.

بررسی تک تک این قوانین نظیر قانون اصلاحات ارضی، قانون ملی کردن تجارت خارجی، قانون اراضی شهری، قانون روابط موجر و مستأجر، قانون توزیع عادلانه آب، قانون معادن، قانون معاملات مسکن، قانون بازسازی، قانون فعالیت احزاب و گروه ها و... که به موقع خود از سوی حزب توده ایران به طور مشروح انجام گرفت، نشان می دهد که به جز پایمال کردن دواصل مهم انقلاب، یعنی عدالت اجتماعی و آزادی که مورد تقاضای توده های ده ها میلیونی میهن ماست، نام دیگری

تاریخ ایران برعهده گرفته اند. آنها با این اکثریت می توانند برنامه خود را پیاده کنند... این برنامه تاکنون به مردم ارائه نشده است. اکثریت نمایندگان که به مجلس رفته اند جز دفاع کلی از اسلام، درباره هیچ یک از مسائل اساسی انقلاب ایران نظر خود را روشن نگفته اند..."

حزب توده ایران با در نظر گرفتن ترکیب نمایندگان مجلس اول، ضمن پیش بینی اینکه: "نبرد سیاسی که تاکنون در عرصه اجتماع و در درون نهادهای حکومت انقلابی جریان داشته و دارد، از این پس به مجلس شورای ملی نیز منتقل می شود" اعلام کرد:

"بدون تردید نخستین مجلس شورای ملی با این ترکیب، در انجام وظایف انقلابی خود با دشواری های بزرگی روبرو خواهد شد".

فعالیت چهار ساله مجلس شورا، صحت ارزیابی های حزب توده ایران را نشان می دهد.

با آغاز فعالیت مجلس، نبرد سیاسی که در جامعه جریان داشت، با شدت و وضوح بیشتری به آنجا منتقل شد.

مجلس شورای اسلامی به جای تصویب قوانین در خدمت خلق، حتی پس از "یک دست شدن" حاکمیت و در اختیار گرفتن کلیه ارگان های حکومتی توسط حاکمیتی که خود را "پیرو امام" اعلام می کرد، عمدتاً جز طرح ها و لایحه هایی در امور قضا و قوانین مربوط به چگونگی قطع دست، پریدن گوش، کور کردن چشم، سنگسار کردن و اشکال عقب مانده و قرون وسطایی از این مجلس بیرون نیامد. بخش دیگر مصوبات مجلس به اساسنامه یا نحوه اداره و فعالیت این یا آن سازمان یا انجمن اسلامی یا ارگان دولتی مربوط می شد که هیچ گونه پیوند جدی و مهمی با زندگی مردم نداشت.

در این میان تنها معدودی از قوانین که شمار آن ها به تعداد انگشتان دو دست هم نمی رسید، از جمله قوانینی بودند که به مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم و کشور، آنها به صورتی "نیم بند" می پرداختند. تازه این قوانین، با وجود نیم بند بودن، همواره از سوی شورای نگهبان

هفتم خرداد ماه امسال، فعالیت اولین دوره مجلس شورای اسلامی پایان یافت و دومین دوره مجلس آغاز به کار کرد. مطالعه دقیق عملکرد چهار ساله مجلس اول نشان می دهد، راهی که مجلس طی این چهار سال پیمود، جدا از رویدادهایی که بر مجموعه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بهمن ۵۷ رفته است، نیست. کارنامه مجلس شورا به مثابه ارگان قانونگذاری جمهوری اسلامی نشان می دهد، این نهاد نه تنها به وظایف اصلی خود، یعنی تدوین و تصویب قوانین قابل اجرا در چهارچوب قوانین و روح مردمی در قانون اساسی بر مبنای نیاز تکامل جامعه و خواست توده مردم انقلابی و بر سر کار آوردن دولت قادر به اجرای انقلابی آنها عمل نکرده است، بلکه با تصویب قوانینی که به نفع غارتگران و بر ضد زحمتکشان جامعه بوده، نقش مهمی در تعجیب قانونی ارتجاع حاکم بر کشور بازی کرد.

حزب توده ایران در آستانه تشکیل مجلس اول و پس از پایان گرفتن انتخابات آن نظرات خود را طی اظهاریه کمیته مرکزی بیان داشت. حزب توده ایران در زمینه وظایف این مجلس اعلام کرد:

"نخستین مجلس شورای ملی، وظایف ویژه ای دارد که به مراتب از وظایف عادی روزمره آن فراتر می رود. این مجلس باید انقلاب نیمه تمام ایران را موافق آرزوها و نیازها و خواست های توده مردم و تکامل جامعه به پایان رساند و راه بازگشت را بر سلطه امپریالیسم و استبداد ببندد".

اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد چگونگی برگزاری انتخابات، ترکیب مجلس و برنامه آتی آن تصریح می کرد:

"به هر صورت اینک، انتخابات به پایان رسید و کسانی که می خواستند زمام امور مجلس شورای ملی را به طور کامل در دست داشته باشند، به هدف خود رسیده اند... حزب جمهوری اسلامی و موذلفین آن ("اتلاف بزرگ") با انتخاباتی که انجام داده اند و اکثریتی که در مجلس به دست آورده اند، مسئولیت سنگینی در برابر مردم و در برابر

تفسیری از روزنامه ایزوستیا:

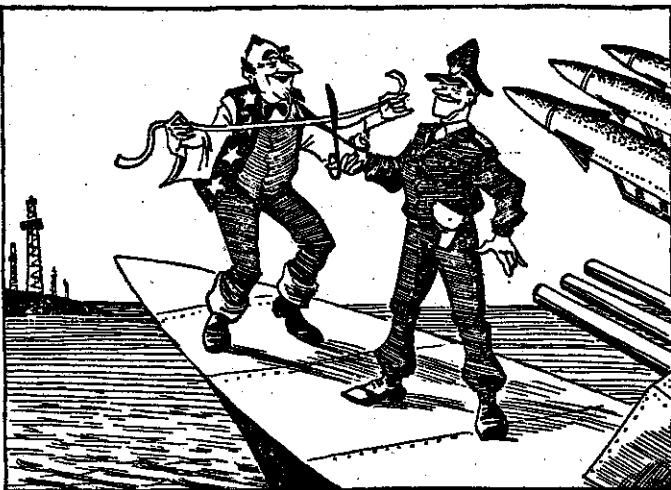
وضع بحرانی در خلیج فارس

بقیه از صفحه ۱
خلیج فارس، تمام راه‌های دریایی منطقه را در خطر ناامنی قرار خواهد داد.

جان‌شین نخست وزیر عراق از جانب دیگر اظهار داشت:

"محاصره اقتصادی ایران ادامه خواهد یافت" و "تصمیم عراق مبنی بر فلج کردن ارتباطات اقتصادی ایران و صدور نفت این کشور پایرجاست".

واقعیات مربوط به این وضع یفرنج چنین است؛ وضعی که گره آن پیوسته کورتر می‌شود، هیچ‌یک از دو طرف شرکت کننده در این جنگ برادر کشی نه تنها نصیبی نمی‌برند، بلکه پیوسته ضایعات عظیم تری را متحمل می‌شوند. . . . در عین حال مشاهده می‌شود، محافل امپریالیستی که بر بازارهای مواد خام تسلط دارند برآوند دست‌های خود را با آتشی که در خلیج



وایک کشتی رانی آزاد در خلیج فارس را افتتاح می‌کنیم. (از پروادا)

انگلستان بیش از دیگران در این زمینه آمادگی از خود نشان داده است. به این جهت واشنگتن یک هیأت ویژه به لندن فرستاده تا در باره تدارک این اقدامات مشترک گفتگو کنند.

جمله پردازی پیرامون "دفاع از کشتی رانی آزاد" از زبان کسانی که با دست خود زیر فرمانی را امضا کردند که به سی. آی. ای. مأموریت می‌داد آبهای ساحلی نیکاراگوئه را مین گذاری کنند بی‌شرمی فوق العاده ای است! کسانی که حتی از پذیرفتن تصمیم دیوان داوری لاهه در این باره که سیاست راهزنانه ایالات متحده آمریکا محکوم می‌کرد و خواستار رعایت حقوق بین‌المللی از واشنگتن بوده، امتناع کردند.

همه می‌دانند واشنگتن چه کوشش‌های همه‌جانبه‌ای به عمل آورد تا کشورهای خلیج فارس را زیر شعارهای استراتژیکی خود متحد سازد، آن‌هم به صورت تشکیل یک بلوک ضد شوروی و ضد کمونیستی! دولت آمریکا با به حرکت درآوردن چماق "خطر شوروی" کوشید دولت‌های این منطقه را وادارد پایگاه استقرار نیروهای "اقدام سریع" در اختیارش قرار دهند.

اکنون واشنگتن در صدد است از حاد شدن اوضاع استفاده کند و به این هدف خود در خلیج فارس دست یابد. تصور می‌رود در آینده جریان حوادث در خلیج فارس تا اندازه زیادی به این امر وابسته است که آیا طرف‌های درگیر، یعنی ایران و عراق قادرند از عملیاتی که می‌توانند وضع را بدتر کند و به نظامیان آمریکایی بهانه دهد که در امور منطقه با هدف‌های امپریالیستی و توسعه طلبانه دخالت کنند، اجتناب نمایند یا نه! از دیدگاه ما این مسئله هم کم اهمیت نیست که دولت‌های منطقه تا چه اندازه می‌توانند در برابر چنگ اندازی‌های واشنگتن مقاومت کنند.

آزادی کشتی رانی در همه جا باید رعایت شود. اما نه به وسیله متمرکز کردن نیروهای عظیم دریایی که اکنون ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس در کار آنست. این گونه اقدامات به دنبال خود پیامدهای جدی (حتی برای مبتکران مشی نظامیگریایه آمریکا) به بار خواهد آورد.

پایگاه‌هایی برای مستقر کردن نیروهای هوایی آمریکا در ارتباط با بخرنج شدن اوضاع خلیج فارس در اختیارش بگذارد. کاخ سفید استفاده از نیروی نظامی خود را برای زیر نظر گرفتن آسمان خلیج فارس بعید نمی‌داند.

هیوز، نماینده وزارت خارجه آمریکا در ارتباط با این حوادث گفت:

"منطقه خلیج فارس برای ما منطقه منافع حیاتی است." آمریکا تنها ۸٪ نفت وارداتی خود را از خلیج فارس دریافت می‌کند. این رقم برای آلمان فدرال ۲۰٪، ایتالیا تقریباً ۵۰٪ و ژاپن ۶۵٪ است. اما درست در واشنگتن در بوق "منافع حیاتی آمریکا" می‌دمند.

آمریکا دز صدد است به کمک این جمله پردازی‌ها در خلیج فارس، پایگاه‌هایی برای نیروی دریایی و هوایی خود به دست آورد و سیاست توسعه طلبی جهانی خویش را تحکیم بخشد.

این تلاش‌ها تا کنون برای واشنگتن نتایج لازم را به بار نیاورده است. اما فشار از آن سوی اقیانوس کاش نمی‌یابد. ستادهای ناتو هم در این اوضاع و احوال، مانند همیشه فعال شده‌اند. آمریکا به متحدان خود فشار می‌آورد اقدامات مشترکی در خلیج فارس انجام دهند. موافق آنچه مطبوعات غربی می‌نویسند،

فارس شعله ورت می‌شود گرم کنند. ۲۱ ماه مه ریگان، رییس جمهور آمریکا از عربستان سعودی خواست

رونالد ریگان سرکرده تروریست‌ها

گیرند و در صورت لزوم با کاربرد نیروی قهر سرکوب گردند. حتی ویلیام ویستر رییس اف. بی. آی. در کنگره گفته است برای مبارزه با تروریسم در آمریکا قوانین موجود کاملاً کافیسیت و اعمال تروریستی در آمریکا مسئله به خصوصی نیست. اما ریگان اندیشه‌های دیگری در سر دارد. او می‌خواهد شکار "جادوگران" را آغاز کند و از روی "احتیاط" همه دگراندیشان را به اردوگاه‌ها روانه کند.

هیستری "تروریسم" در خدمت دولت آمریکا قرار گرفته تا ایجاد اردوگاه‌های زندانیان، برای شهروندان آمریکایی و غیر آمریکایی را که در جستجوی کار به این کشور آمده‌اند توجیه و تبرئه کند. رونالد ریگان برای مبارزه با "تروریسم" خود به صورت سرکرده تروریست‌ها درآمده است.

روزنامه "دیپلی ورلد" ارکان مرکزی حزب کمونیست آمریکا، اخیراً اطلاع داده روز سوم آوریل، ریگان سندی را امضا کرد که موافق آن اجازه داده می‌شود "ضربت پیشگیرانه" علیه تمام آن گروه‌ها و اشخاصی که احتمالاً می‌توانند دست به اعمال "تروریستی" بزنند وارد آید. دو روز بعد، سندی به امضای ریگان رسید که به موجب آن باید ده اردوگاه بزرگ به ظرفیت ۲۰۰ هزار نفر در محوطه‌های پایگاه‌های نظامی آمریکا برای زندانی کردن اعضای گروه‌هایی که دست زدن به "تروریسم" از جانب آنها محتمل است ایجاد گردد. روز ۲۶ آوریل، رییس جمهور طرح قانون "ضد تروریسم" را به کنگره تسلیم کرد مفاد این طرح اجازه می‌دهد تمام گروه‌ها و فراکسیون‌ها و اشخاص مشکوک زیر نظارت مخفی قرار

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

در هفته ای که گذشت:

تدارک دور جدید جنگ در سالروز فتح خرمشهر

سوم خرداد امسال، ۲ سال از آزادی خرمشهر گذشت. در این روز خرمشهر که با آغاز جنگ ایران و عراق به تصرف قوای متجاوز درآمده بود، با فداکاری و پایمردی زحمتکشان قهرمان ایران آزاد شد. حماسه آزادی خرمشهر، حماسه جانپنازی خالصانه مردمی بود که در راه آماج‌های انقلاب از هیچ ایثاری فروگذار نکردند. حماسه آزادی خرمشهر، حماسه فداکاری‌های فرزندان خلق و فرماندهان قهرمانی چون رفیق شهید سرهنگ کبیری بود که به فرمان انقلاب، مردم و حزب به دفاع از میهن انقلابی برخاسته بودند.

رفیق شهید کبیری که به دست رهبری خائن جمهوری اسلامی به دلیل دفاع از آماج‌های انقلاب به جوخه‌های اعدام سپرده شد، به همراه فرماندهان دیگر عملیات آزادسازی خرمشهر را رهبری می‌کرد.

پیروزی خرمشهر که ثمر تلاش خستگی ناپذیر مردم قهرمان ایران بود، امید پایان جنگ بی‌ثمر ایران و عراق را در دل آنان برانگیخت. با فتح خرمشهر نیروهای عراقی در اکثریت مناطق به پشت مرزها رانده شدند و مردم انتظار داشتند با استفاده از موفقیت بسیار مناسب سیاسی، نظامی و تبلیغاتی که به همت رزمندگان مردمی به دست آمده بود، صلحی عادلانه میان ایران و عراق برقرار شود و به جنگی که ادامه آن جز به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع درون هر دو کشور نبوده، خاتمه داده شود. اما حاکمیت خائن جمهوری اسلامی راه ادامه جنگ تا منسوخ کامل انقلاب و پیروزی ضدانقلاب را در پیش گرفت.

امسال، سال روز فتح خرمشهر در شرایطی فرا می‌رسد که جنگ ابعاد وسیعی پیدا کرده و تشدید بحران خلیج فارس و وخامت اوضاع منطقه را که در خدمت مستقیم اجرای نقشه‌های امپریالیسم آمریکا جهت قبضه کامل نظامی خلیج فارس است، دامن زده است. در این شرایط هیأت حاکمه جمهوری اسلامی نه تنها با هرگونه پیشنهاد و ابتکار صلح مخالفت می‌کند، بلکه تدارکات نظامی، سیاسی و تبلیغاتی تازه ای برای دور جدید جنگ و نابودی هزاران تن از زحمتکشان دو کشور را، آغاز کرده است.

دزدی از مال جنگ زدگان

"راه توده" طبق گزارشات رسیده از ایران، نارضایتی گسترده هم وطنان جنگ زده میهن مان را

در صفحات خود منتشر ساخته است. این مردم رنج دیده که بیش از ۲ سال و ۸ ماه است در شرایط دشوار و در بدهی و ناامنی به سر می‌برند و با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی دست به گریبانند، به بهانه‌های مختلف بارها اعتراضات خود را به سیاست ادامه جنگ از سوی جمهوری اسلامی ابراز کرده‌اند. "راه توده" همچنین بارها از سوءاستفاده‌های کلان و دزدی‌ها و اختلاس‌های روسا و مسئولین بنیاد امور جنگ زدگان مرکز و استان‌های مختلف خبرهایی درج کرده است. هفته گذشته، صفاتی دزفولی، نماینده آبادان طی سخنان قبل از دستور خود به گوشه‌ای دیگر از این حقایق اشاره کرد که بی‌نیاز از هرگونه تفسیری است. او در زمینه مسائل جنگ زدگان گفت:

"اتار سوء ناشی از اداره کردن جنگ زدگان کشور، نه تنها با هیچ دگرگونی قابل رفع نیست، بلکه چندین نسل باید بگذرد تا آنها وضع طبیعی خود را بازیابند. وضع بد اسکان جنگ زدگان به خصوص در استان خوزستان نمی‌تواند بیننده را متأثر نکند. شهرک طالقانی در سربند راد ریمان کپراهی کلی و بوی تند فاضلاب که از همه طرف شهرک را احاطه کرده است. شهرک شهید رجایی یکی دیگر از حلبی‌آبادهای بنیاد جنگ زدگان است که در بیابان داغ نزدیک ماهشهر، مردمی مظلوم و فقیر را در خود جای داده است و شهرک وحدت در کنار شهرستان بهبهان هنوز هم مظهر چادر نشینی در گرمای داغ و با این اسناد گویا کسی نیست که از اینان بپرسد شما در عرض چهار سال با صرف میلیاردها تومان بودجه بیت‌المال کدامیک از مسائل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اید."

این حقایق که از زبان یکی از نمایندگان وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی بیان می‌شود، شرایط دشوار زندگی هم وطنان جنگ زده و ادعاهای دروغ رژیم جمهوری اسلامی را مبنی بر تأمین امکانات زندگی برای آنان افشاء می‌کند. نماینده آبادان سپس به بیان گوشه کوچکی از سوءاستفاده‌های کلان مسئولین بنیاد امور جنگ زدگان مرکز و سایر استان‌ها می‌پردازد و می‌گوید:

"معاون سابق مالی بنیاد مرکزی که پس از ۱۵ سال کار در وزارت سابق دارایی بازنشسته شده است، علاوه بر حقوق بازنشستگی ماه اول ورود به بنیاد مبلغ بی‌هزار تومان و ماه بعد ۲۲۵۰۰ تومان و ماه‌های بعد به مدت ده ماه ۱۵ هزار تومان حقوق خالص دریافت کرده است.

"این شخص ... پانزده فقره اقلام جواهرآلات اهدایی مردم مسلمان ساکن لندن را به جنگ زدگان

کشور ... به ثمن پخش و برخلاف قانون فروخته است. معاون مالی سابق بنیاد برخلاف قانون که می‌بایستی جواهرآلات فوق را به بانک مرکزی جهت فروش تحویل می‌داد به یک جواهر فروش مجهول به مبلغ ۲۲۵۰۰ تومان فروخته است.

معاون مالی سابق بنیاد علاوه بر حقوق دریافتی ماهانه، مبلغ ۳۲۵۰۰ تومان، به عنوان ترمیم حقوق پرسنل از صندوق دریافت کرده است که مقدار ده هزار تومان آن را به عنوان حق‌السکوت به پرسنل داده و مابقی آن را به حساب شخصی خود واریز کرده است."

نماینده آبادان همچنین فاش ساخت که قائم مقام بنیاد جنگ زدگان فارس در زمان طاغوت سرپرست اردوی عمران ملی رامسر بوده است و قائم مقام سابق بنیاد فارس به همراه معاون مالی آن، یک میلیون تومان رشوه خوری کرده‌اند و تحت تعقیب نیز قرار نگرفته‌اند.

این سوءاستفاده‌ها و دزدی‌های بزرگ در شرایطی انجام می‌گیرد که هم وطنان جنگ زده مادر بدترین شرایط به سر می‌برند. آنان حتی قادر نیستند، کمترین امکانات ضروری بهداشتی را برای خود و فرزندان بی‌گناه خویش فراهم آورند.

"ذبح شرعی"

اصل ۴۴ قانون اساسی!

هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی لایحه "دولتی کردن تجارت خارجی" را که مجدداً از سوی شورای نگهبان ارتجاع مغایر با "شرح" شناخته شده بود، بررسی کرد. این لایحه بار اول در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به تصویب رسید و بلافاصله تحت عنوان مغایرت با "شرح" از سوی شورای نگهبان "وتو" شد.

لایحه "وتو" شده، مجدداً در ماه گذشته توسط کمیسیون، موافق رهنمودهای شورای نگهبان سرمایه‌داری "اصلاح" شد و از تصویب مجلس گذشت. لایحه اصلاح شده با وجود آنکه دو نکته مهم در دولتی کردن تجارت خارجی، یعنی انحصار صدرصد تجارت خارجی توسط دولت و کنترل توزیع داخلی به وسیله آن را نفی کرده بود، ولی از آنجایی که محدودیت‌هایی برای بخش خصوصی از جهت شرکت در بازرگانی خارجی اعمال می‌کرد، مجدداً از سوی شورای نگهبان ارتجاع، مخالف با موازین "شرعی" شناخته و رد شد.

مخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه ضمن بیان اینکه "اصلاحیه" قبلی مورد قبول شورای نگهبان واقع نشده در زمینه نظرات این شورای غارتگران گفت:

"چنانچه مباشرت مستقیم و منحصر دولت در کل امور بازرگانی خارجی یا بخشی از آن ضرورت داشته، طبق فرمان حضرت امام مدظله باید به تصویب دولت و ثلث نمایندگان محترم برسد. یعنی حتی بخشی از تجارت خارجی را هم بخواهیم در اختیار

بقیه در صفحه ۱۲

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

موضع جمهوری دموکراتیک افغانستان نسبت به رژیم های ارتجاعی حاکم بر ایران و پاکستان



می فرستند و نوکران خود یعنی ضدانقلاب افغانستان را با پول و جنگ افزار تجهیز می کنند و به نام "اسلام" برای برادرکشی و قتل مسلمانان به سوی افغانستان روانه می سازند.

تا دیروز محافل ارتجاعی ایران فریاد می کشیدند "نه شرقی، نه غربی" اما امروز می بینیم که چهره خویش را از خاور که خورشید آزادی از آنجا طلوع می کند برمی گردانند و به غرب روی می آورند. آنان سیاست ضدیت با انقلاب افغانستان را در پیش گرفته اند و در هم آهنگی با امپریالیسم آمریکا به سیاست مداخله گرانه و تجارزی علیه افغانستان متوسل شده اند.

با ناامنی و خطر جنگ روبرو کرده است. رژیم نظامی پاکستان با سلاح های مرکب خود از یک سو هندوستان و از سوی دیگر افغانستان را مورد تهدید قرار داده است.

سپس رفیق کارمل پرش زیر رادر برابر ضیاء الحق قرارداد:

شما چگونه، با کمک کدام عوامل از چه راه های قانونی و با کدام انتخابات، قدرت را در دست گرفته اید؟ چگونه رژیمی که قانون اساسی را پایمال و استبداد و تزییق را بر مردم پاکستان تحمیل کرده می تواند به مردم سرافراز، میهن دوست و آزادی دوست افغانستان امر و نهی کند؟

در مورد سیاست های خصمانه محافل ارتجاعی ایران رفیق کارمل گفت:

ما می شنویم که محافل ارتجاعی راستگرا در ایران می گویند "انقلاب" خود را به افغانستان صادر خواهند کرد. آنان این مطلب را حتی در خطوط اساسی سیاست خارجی و در اسناد رسمی خود گنجانیده اند. آنان هم مانند رژیم پاکستان به نام "اسلام" علیه خلق خود و خلق های عرب مبارزه می کنند. امروزه این محافل ارتجاعی کودکان ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ساله را به جبهه های جنگ با عراق

ارتجاع و امپریالیسم هستیم. ما همچنین در کنار خلق پاکستان قرار داریم، خلقی که علیه استبداد و خشونت محافل حاکم پرکشور که وابسته به امپریالیسم آمریکا هستند و خود را تا دندان مسلح می کنند، می رزمند.

رفیق کارمل در مورد سروصدای گوش خراش محافل ارتجاعی و امپریالیستی پیرامون افغانی هایی که بر اثر تبلیغات مسموم دشمنان و دلایلی دیگر به پاکستان و ایران رفته اند باز دیگر یاد آور شد، درهای میهن، یعنی افغانستان انقلابی به روی تمام آن هموطنانی که مخالف انقلاب، آزادی و استقلال کشور نیستند، باز است.

درباره حکومت نظامی پاکستان رفیق کارمل یاد آور شد:

ماتا به حال روی این مسئله تکیه نکرده ایم که ضیاء الحق توسط یک کودتای نظامی روی کار آمده و ذوالفقار علی بوتو، رئیس جمهور برگزیده قاضی مردم پاکستان را به امر امپریالیسم آمریکا و سازمان های جاسوسی اش به قتل رسانده است. این رژیم اکنون هم متحد ایالت متحده آمریکا و برتری طلبان چینی است و منطقه را

رفیق پیرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی سخنرانی مبسوطی که روز اول ماه مه در برابر اجتماع عظیم کارگران و زحمتکشان کابل ایراد کرد از جمله به مسئله مناسبات با پاکستان و ایران پرداخت و گفت:

میان خلق افغانستان و زحمتکشان پاکستان و ایران و همچنین کشورهای دیگر اختلافی وجود ندارد. او بار دیگر بر همبستگی برادرانه میان خلق افغانستان و خلق های پاکستان و ایران تأکید کرد.

رفیق کارمل سپس افزود: گروه نظامیان حاکم بر پاکستان علیه خلق افغانستان و همچنین سرزمین و انقلابش دست به تحریکات گوناگون می زنند. اختلاف اصلی ما با این رژیم آنست که نظامیان حاکم بر پاکستان در جهت حل مسالمت آمیز مشکلات افغانستان کارشکنی می کنند. اختلافات مشابهی نیز میان ما و محافل ارتجاعی حاکم بر ایران وجود دارد. آنها نمی خواهند مسائل را پشت میز مذاکره حل کنند.

ما از انقلاب ایران از همان آغاز پشتیبانی کردیم. ما اکنون پشتیبان بیکار مردم ایران علیه

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

دولت قرار دهیم باز هم باید طبق ضرورت باشد و این اشکال شورای نگهبان است "کمیابان - ۱ خرداد).

بدین ترتیب ماده ۴ این لایحه که ورود "کالاهای را که نقش اساسی و حیاتی در زندگی مردم یا اکثریت مردم داشت"، در انحصار دولت قرار می داد، باید حذف می شد. اگرچه بعضی از نمایندگان با این "اصلاحیه" جدید مخالفت کردند، اما اکثریت مجلس مطابق توصیه مجید انصاری نماینده زرنند کرمان، مبنی بر اینکه "ما بایستی نظر شورای نگهبان را در اصلاحیه بپذیریم" حذف آن و همچنین دیگر "اصلاحات" جدید را تصویب کردند.

بر طبق مصوبه جدید، بخش دولتی نه تنها در زمینه ورود کالا از خارج هیچ تفاوتی با بخش خصوصی ندارد، و بالاتر از آن نقش کارگزار بخش خصوصی را نیز بازی می کند، بلکه دولت "مستغنیان" همه ساله باید ارز لازم جهت ورود کالا را نیز به تجار

توجه به آن حد وابستگی سران رژیم را مشخص می کند.

این روزنامه با ارائه توضیحات مختصری در مورد تاریخ تشکیل این پیمان و به اصطلاح وظایف "سودمند" فنی، بانکی و اقتصادی آن، کوشیده این واقعیت را که "پیمان عمران منطقه ای" شعبه ای از پیمان نظامی و امپریالیستی سنتز بوده است، پنهان کند. روزنامه جمهوری اسلامی در پایان پاسخ خود، در مورد احیاء این پیمان می نویسد:

"سازمان عمران منطقه ای، دبیرخانه ای دارد که مرکز آن در تهران است و دبیرکل برای مدت چهار سال به ترتیب حرف اللفیا (ایران - پاکستان - ترکیه) انتخاب می گردد. انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن تا مدتی عضویت جمهوری اسلامی ایران را در سازمان مزبور به حالت تعلیق درآورد. اما این روابط به سرعت تجدید شد و مبادلات سنگین اقتصادی و بازرگانی و تجاری دولت ترکیه با جمهوری اسلامی ایران که افزایش بی سابقه ای یافته است و همچنین روابط اقتصادی ایران و پاکستان در چارچوب همین قرارداد صورت می گیرد".

محترم و "استوانه های انقلاب" اختصاص دهد. این اصلاحیه چنان تفاوت فاحشی با موضوع دولتی کردن تجارت خارجی داشت که نام لایحه به "نحوه فعالیت در انجام بازرگانی خارجی" تغییر یافت و به قول معروف آتش چنان شور بود که خان هم فهمید.

تصویب این قانون، پایمال کردن آشکار اصل ۴۴ قانون اساسی است. ولی از آنجایی که منافع ولی نعمت های رهبران جمهوری اسلامی، یعنی سرمایه داران بازار را تأمین می کند، شورای نگهبان هیچ مسئله خلاف "شرعی" در آن نمی بیند.

واقعیت "پیمان عمران منطقه ای" به روایت روزنامه جمهوری اسلامی

"راه توده" بارها سیاست جمهوری اسلامی رادر جهت احیاء "پیمان عمران منطقه ای" به همراه دولت های وابسته و آمریکایی ترکیه و پاکستان، افشاء کرده است. روزنامه جمهوری اسلامی که سخنگوی حاکمیت ایران است، در شماره ۲۴ اردیبهشت خود، در بخش "پاسخ به سئوالات سیاسی شما" توضیحات خود افشاکاری در مورد این پیمان و احیاء آن منتشر کرده است که

کودکان و سوسیالیسم

وضعیت ناسامان، سرشار از محرومیت و غیرطبیعی اکثریت مطلق کودکان در جوامع سرمایه‌داری، در مقایسه با شرایط آنان در کشورهای سوسیالیستی، برجستگی خاصی می‌یابد. این واقعیتی است که تنها در نظام عادلانه سوسیالیسم، در جوامع فارغ از بهره‌کشی است که برای شکوفایی و رشد شخصیت کودکان شرایط ضروری فراهم می‌آید. بیهوده نیست که کشورهای سوسیالیستی به "بهشت کودکان" معروف شده‌اند.

در اتحاد شوروی، پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال ۱۹۱۷، بنیان‌های مادی برای دفاع از حقوق کودک تقویت شد. جمهوری نوپای شوروی با وجود آنکه با ضدانقلاب داخلی و مداخله امپریالیسم از خارج روبرو بود، بخشی از بودجه ناچیز خود را به ایجاد پایه‌های آموزش همگانی و حفاظت از مادر و کودک اختصاص داد. با اجرای برنامه دقیق و استمداد از نیروی خلق‌ها در سال‌های اول انقلاب بی‌سوادی ریشه کن شد. تنها در جمهوری آذربایجان، تعداد دانش‌آموزان از ۷۲۶۰۰ نفر در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۴ به ۲ میلیون ۱۱۲ هزار نفر در سال ۱۹۷۵ رسید.

مواظبت از کودک در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، مدتی قبل از تولد آغاز می‌شود. تمام معاینات پزشکی مادر و کودک قبل و پس از زایمان و تولد، نظارت بر سلامتی کودک و مایه کوبی به صورت رایگان و از بودجه دولتی تأمین می‌شود. در اثر مراقبت‌های پزشکی و بهبود شرایط رفاهی خانواده‌ها، مرگ و میر نوزادان کشورهای سوسیالیستی به طرز چشمگیری کاهش یافته است. در بلغارستان مرگ و میر نوزادان (تا یک ساله) از ۱۲۸/۹ در هزار، در سال ۱۳۱۸ به ۲۲/۸ در هزار در سال ۱۳۵۶ کاهش یافته است. در کشورهای سوسیالیستی در کنار هر موزه و کارخانه، مهدکودک و شیرخوارگاه رایگان وجود دارد. بخش اعظم مخارج شیرخوارگاه‌ها، مهدکودک‌ها و کودکان‌ها از بودجه دولتی تأمین می‌شود و تنها بخش ناچیزی از آن را والدین پرداخت می‌کنند. در اتحاد شوروی بیش از ۱۵

میلیون کودک به کودکان می‌روند. بیش از ۹۰ درصد کودکان در جمهوری دموکراتیک آلمان تحت پوشش کودکان‌های دولتی قرار دارند. در کودکان‌های کشورهای سوسیالیستی، مربیان دوره دیده و ورزیده به رشد همه‌جانبه کودکان یاری می‌رسانند. در این کشورها تحصیل تا پایان دانشگاه رایگان است. وسایل ورزشی، شطرنج، کتابخانه در گوشه و کنار هر شهر و در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد.

مسئله تربیت و استراحت و تفریح کودکان در کشورهای سوسیالیستی از اهمیت خاصی برخوردار است. تعداد زیادی کلوب به استراحت کودکان و نونهالان اختصاص دارد و هر سال بر تعداد استراحتگاه‌های مادران و کودکان افزوده می‌گردد. دولت کوشش دارد کودکان تعطیلات خود را در خارج از شهرها و در مناطق خوش آب و هوا و استراحت در کنار دریاچه‌ها بگذرانند. در سال گذشته ۱۵ میلیون کودک در اتحاد شوروی در بیابان‌های ویژه دانش‌آموزان که متعلق به اتحادیه‌هاست به صورت جمعی به استراحت و تفریح پرداختند. این اردوهای استراحت که ترکیبی از تفریح و شرکت در کارهای اجتماعی است، آنان را برای شرکت در اداره امور جامعه آماده می‌کند. علاوه بر آن مادرانی که فرزندان خردسال یا چندین فرزند دارند از مزایای بیشتری برخوردار می‌گردند. فقط در چند سال اخیر، واگذاری مرخصی به مادران شاغل به مناسبت تولد نوزاد تا یک‌سالگی فرزند و پرداخت بخشی از حقوقشان محمول شده و بر میزان مساعدته‌ها به این مناسبت افزوده شده است.

در جهان سوسیالیستی نیازهای روزمره مردم روبه افزایش است و امکانات نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد.

در کشورهای سوسیالیستی با تکیه بر پایگاه واقعی تضمین شده، حداکثر کوشش برای تأمین زندگی سعادتمند و با نشاط برای همه کودکان صورت می‌گیرد و پایه اجتماعی این کار به موازات رشد اقتصادی کشورهای سوسیالیستی همواره ارتقاء می‌یابد.

سرنوشت غم‌انگیز کودکان در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۸

فنی دارد و حرکت آن خطرناک است، اما چون راننده برگ معاینه دارد، به احترام آن دست روی دست می‌گذارند و کاری نمی‌کنند!



در چنین اوضاع و احوالی است که "سینار هفته بهداشت کودکان" با حضور و سخنان رییس جمهوری در تهران برگزار می‌شود. رییس جمهوری به قول معروف بازم "بالا بالا می‌نشیند و حرف‌های گنده گنده" می‌زند. از "ابرقدرت‌ها" سخن می‌گوید و به سلاح‌های شیمیایی گریز می‌زند. اما به این موضوع که زعمای جمهوری اسلامی کودکان و نوجوانان را گروه‌گروه جلو گلوله می‌فرستند و در عرصه جنگ قربانی می‌کنند، نمی‌پردازد و از آن سخن نمی‌گوید.

رییس جمهوری برای خاک ریختن به چشم زحمتکشان می‌گوید: "مسئله کودکان، مسئله مهمی است و سلامت کودکان سرمایه آینده کشور محسوب می‌شود...".

وی مرگ زودرس نوجوانان را به خاطر اهداف توسعه طلبانه حاکمیت خائن فراموش می‌کند و ادایه می‌دهد:

"... کودک میری که یکی از بلاهای دردناک جوامع محروم و عقب نگه‌داشته شده است، در جامعه ما باید کم شود و کودکان ما سالم بمانند تا در آینده نسلی با کارایی لازم و توانایی کافی داشته باشیم...".

وی با اشاره به دوران ستم‌شاهی به منظور سوءاستفاده از نفرت زحمتکشان از این دوران مدعی می‌شود:

"... اگر کودکان ما در طول سال‌های ستم که هنوزم ... مورد تهاجم انواع بیماری‌ها قرار می‌گرفته‌اند، در محیط اجتماعی و خانوادگی آنان فضای شایسته‌ای وجود نداشته است" ("کیهان" - ۱۳۶۳/۱/۱۹).

باید از آقای رییس جمهوری و همکارانشان پرسید که شما در طول این پنج سال برای رفع آن ستم و آن تهاجم و آن ناشایستگی محیط اجتماعی و خانوادگی چه کرده‌اید؟

جز آن که جنگ توسعه طلبانه و بی‌سرانجام را در اولویت قرار داده‌اید و ده‌ها هزار تن، از جمله هزاران کودک و نوجوان را قربانی آن کرده‌اید و با قربانی کردن هزاران پدر و مادر، کودکان بسیاری را بی‌سرپرست و محروم از کانون خانواده به جا گذاشته‌اید؟ یا چنان محیط ناآرام و متشنج عصبی به وجود آورده‌اید که در آن پدری تاب شیطنت‌های فرزندانش را نمی‌آورد و آن‌ها را می‌کشد! کودکان اگر هم خوش اقبال باشند و دچار حوادث غیرمنتظره نشوند یا از آن حوادث جان سالم به در ببرند، بازهم مانند والدین خود، دچار فقر مادی، فقر فرهنگی، بیماری، و آینده‌ای مبهم و سرنوشتی مجهول خواهند بود.

در سینار یاد شده "پزشکان علل مرگ و میر کودکان کم‌تر از ۵ سال را به دو عامل مهم سوءتغذیه و بیماری‌های عفونی تقسیم کرده‌اند. هفت ساله ۲۲ هزار کودک کم‌تر از یک سال در ایران... به علت بیماری و سوءتغذیه جان خود را از دست می‌دهند... سوءتغذیه، عدم رعایت نکات بهداشتی (پخوانید: عدم امکان رعایت مسائل بهداشتی) نبود آب سالم و قابل شرب، اختلالات دوران بارداری و... در روستاها و شهرهای دورافتاده (و در واقع حتی در شهرهای بزرگ و پایتخت کشور) دام بیماری و مرگ را برای نوزادان و کودکان می‌گستراند" ("کیهان" - ۱۳۶۳/۱/۲۲).

گناه بیماری و سوءتغذیه مادران و نوزادان و کودکان به گردن کیست؟ آیا به گردن رژیمی نیست که چنان اسیر دست سرمایه‌داران است که حتی حاضر نیست به زنان کارگر دوسه‌ماه مرخصی خشک و خالی قبل و بعد از زایمان بدهد. گناه نبودن آب قابل شرب و نبودن غذای کافی برای مادران و کودکان به گردن کیست؟ بی‌شک برگردن رژیم مدافع سرمایه‌داران و غارتگران که به جای هر کار دیگری، تنها به گذاشتن تنور جنگ می‌پردازد و خون مردم ایران، از بزرگ و کوچک در آن برای سرمایه‌داران به طلا تبدیل می‌سازد.



منع کار کودکان، خواست به حق مردم ایران

بقیه از صفحه ۹

شناخته شده است. با این حال وبا وجود اختناق و فشار در محیطهای کارگری، زحمتکشان هوشیارانه بر امر منع کار کودکان به عنوان یکی از خواست های میهمان خود پامی فشرند.

یکی از کارگران در تنها جلسه ای که با حضور کارگران برای بررسی قانون کار پیشنهادی دولت در اسفندماه گذشته برگزار شد، بر ممنوعیت کار کودکان تأکید کرد و گفت:

"اگر قبلا کارگر ۱۲ ساله، یک کارگر مستقل به حساب می آمد و همه گونه مزایای کارگری به وی تعلق می گرفت، حالا به موجب این پیش نویس، کارگر ۱۲ ساله به عنوان کارآموز وارد کارگاه خواهد شد که مزایای کمتری به او تعلق خواهد گرفت. ما خواستار ممنوعیت کامل اشتغال افراد کم سن و سال هستیم" (کیهان - ۷ اسفند).

مبارزه برای افشای سیاست های رژیم در بی توجهی کامل به حقوق کودکان و نوجوانان و نیز دفاع بی گیر از حقوق فرزندان زحمتکشان و شرایط کنونی از اهمیت فراوانی برخوردار است. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در این عرصه نیز مانند دیگر عرصه های مربوط به زندگی و کار زحمتکشان، چون گذشته و در پیشاپیش همه مبارزه می کند و بر شعار "منع کامل کار کودکان و نوجوانان" تأکید دارد.

ناگفته پیداست حل کامل مسئله کار کودکان در تمامی کشورهای، تنها در سایه استقرار یک دولت مردمی امکان پذیر است.

تنها در سایه اتخاذ سیاست های اجتماعی - اقتصادی در جهت بهبود جدی زندگی توده های مردم، برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و استقرار عدالت اجتماعی، زمینه های لازم منع کار کودکان و تأمین یک زندگی حداقل و امکان تحصیل برای همه فرزندان میهن ما فراهم می آید.

میهمانان همگی از جانب کارگزاران حکومتی دعوت شده بودند و "کمترین وابستگی به شرق" نداشتند. در جلسات این کنگره سرنگهبان قوه قضاییه و نخست وزیر بارها و بارها ناگزیر شدند در باره جنایات موحشی که در حق توده ای ها مرتکب شدند توضیح دهند و قساوت و سببیت خود را در اجرای توصیه ها و شروط مقبولیت نزد امپریالیسم توجیه کنند. در همین جلسه رییس قوه قضاییه که تصریح کرد:

"این قوه مستقیما تحت نظر رهبری ولایت فقیه کار می کند" (اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت) ناگزیر شد به اعمال و به کارگیری شیوه های ترور و شکنجه سیا از جانب دژخیمان جمهوری اسلامی اعتراف کند و نخست وزیر که بر عجز مأموران اجرایی رژیم در صحنه پردازیه ها و تدارک و تهیه "مدرک و سند" صحنه گذاشت، ناچار به همان شیوه کهنه و رسوای در اختیار داشتن سند و مدرک و پرهیز از افشای آن متوسل شد و در پاسخ "میهمانان کنگره" گفت:

"... حزب توده ۴۰ سال سابقه جاسوسی برای شوروی داشت که ما نخواستیم جزئیات بیشتری را افشا کنیم" (اطلاعات - ۱۷ اردیبهشت). زمانی رییس بیدادگاه های نظامی رژیم به منظور سرپوش گذاشتن به جنایات خود و قوه قضاییه، اعلام می کرد برای حفظ "اسرار امنیتی" از حضور خبرنگاران و نمایندگان حقوقی و نزدیکان "متهمین" در جلسات دادگاه های فرمایشی جلو می گیرد و امروز نخست وزیر از افشای "جزئیات بیشتر" پرهیز می کند! در واقع، موسوی اقرار دارد.

هدف، قربانی کردن توده ای ها است! بر باقی مسائل می توان چشم بست! واقعیت آنست که نه سند و مدرکی دال بر "جاسوسی" توده ای ها وجود دارد، نه می تواند وجود داشته باشد، نه "حفظ اسرار امنیتی" ملحوظ نظر جلادان رژیم است و نه "جزئیات بیشتری" که نخست وزیر از آن هادم می زند. همه می دانند این بهانه ها و دلیل تراشی ها تنها تقلابی است برای یافتن چشمه ای که رهبران جمهوری اسلامی دست های تا مرفق خونین خود را در آن بشویند. غافل از اینکه اثر ننگ و جنایت زوددنی نیست!

هدف؛ قربانی کردن توده ای ها است

بقیه از صفحه ۱

حاصل نامشروع آن در آخرین جلسه بیدادگاهی که در آن چند خبرنگار خارجی نیز راه یافته بودند، "در معرض دید و قضاوت عموم قرار گرفت"! این داوری، اما با آنچه حکام جمهوری اسلامی پیش بینی کرده بودند تفاوت بسیاری داشت، به این دلیل ساده که "دستگاه های جاسوسی" و "مدارک غیر قابل انکار" رژیم چیزی جز چند مترسیم و چند خازن چیز دیگری نبود و به هیچ روی امکان نداشت آن ها را با دستگاه های پیشرفته و پیچیده ای که در جاسوس خانه آمریکا کشف کردند، قیاس پذیر دانست! در همان جلسه دادگاه، خبرنگاری فرانسه پرسید:

"به جز لوازم الکترونیکی و ۳۰۰ که به ما نشان دادید چه مدارک دیگری داشتید؟!"

رییس دادگاه، مذبوحانه پاسخ داد:

"مدرک یا لوازمی که آنها برای کارهای خودشان داشتند، مدارکی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوازم هم غیر از این لوازم الکترونیکی و اسلحه، ظاهرا چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشد نبوده!" (اطلاعات - ۲ بهمن ۶۲).

هر چند این اعتراف رسوا کننده که سند محکومیت مطلق و ابدی سران قسی ج ۱۰ است با زهم تکرار شده، ولی مانعی نبود که در رویارویی با آن، سردمداران رژیم بر پایه "مدارکی که قابل مطرح کردن نیست" بی گیرترین پشتیبانان منافع مردمی را به پای محاکمه نکشند و شخصیت و آزادی و زندگی آنان را تیرباران نکنند. با این حال صدای اعتراض مردم مترقی جهان و ایران، حتی کسانی که به گونه ای با سیاست گزاران در رابطه قرار می گیرند، همچنان بلند است.

در آخرین روزهای ماه گذشته، این صدای معترضانه در قالب پرسش ها و گفتگوهای بین "میهمانان شرکت کننده در کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات" و رییس دیوان عالی کشور و نخست وزیر ... برخاست. این

از توده ای ها را از عرصه پیکار و فعالیت تشریحش و آغوش خانواده های خود دزدیدند و به دخمه های دهمشناک شکنجه گاه های رژیم تبعید کردند.

مضمون مصاحبات کارگزاران و رهبران رژیم، پس از این یورش افسارگسیخته، اطمینان بخشی به مردم معترض و افکار عمومی برانگیخته و خشمگین جهان در خصوص داشتن "اسناد و مدارک غیر قابل انکار" بود. آنان اعلام می کردند:

"از نظر جرم قضایی، این افراد بر اساس اعترافاتشان و مدارک موجود بزرگترین جرم را مرتکب شده اند" (اردبیلی - جمهوری اسلامی - ۱۸ اردیبهشت ۶۲).

"حزب توده (ایران) ... سعی می کرد به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور دست یابد ... هم اکنون ما دستگاه های جاسوسی از این حزب به دست آورده ایم" (رضایی - اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت ۶۲).

"... در تکذیب اتهامات هجله نکنند. ما مدارک غیر قابل انکار در دست داریم" (رفسنجانی - نماز جمعه).

افکار عمومی مردم ایران و جهان با اینکه سردمداران جمهوری اسلامی را بی "تقوا" تر از آن می شناسند که ادعای کنند، در انتظار بودند برگی از این "مدارک غیر قابل انکار" و بخشی از آن "دستگاه های جاسوسی" در جریان محاکمات فرمایشی و ضد قانونی و ضد انسانی توده ای های در بند به نمایش درآید. این انتظار نه تنها برآورده نشد، بلکه سردمداران رژیم از حضور نمایندگان محافل و سازمان های بین المللی، پزشکان، حقوق دانان و خبرنگاران داخلی و خارجی در این بیدادگاه ها نیز جلوگیری کردند. با این حال موج فشار و اعتراضات به حق نیروهای مترقی جهان و مردم ایران گسترده تر از آن بود که سیاست گزاران رژیم بی هیچ مانعی، تمامی نمایندگان سیا نوشته سرکوب توده ای ها را به اجرا درآورند. از آن جهت تقلای مذبوحانه ای در جهت مدرک سازی و سند تراشی آغاز شد و

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



دیدار کیم ایل سونگ از اتحاد شوروی

هفته گذشته یک هیأت حزبی ودولتی از جمهوری دمکراتیک خلق کره، تحت رهبری کیم ایل سونگ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کار کره و رییس جمهوری دمکراتیک خلق کره برای یک دیدار دوستانه از اتحاد شوروی وارد این کشور شد. این دیدار به دعوت رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی انجام گرفت.

در ضیافت شامی که به افتخار میهمانان کره ای برپا شد، کنستانتین چرنکو و کیم ایل سونگ سخنرانی کردند.

کنستانتین چرنکو در سخنرانی خود از دوستی خلل ناپذیر دو خلق که از سال های جنگ جهانی دوم و تجاوز امپریالیسم آمریکا به کره ادامه دارد قدر دانی کرد. وی گفت؛ مناسبات برادرانه میان دو کشور در حین ساختمان نظم نوین سوسیالیستی همواره گسترش پیدا کرده و همکاری های دو کشور برای استفاده از امکانات طرفین ژرف تر گشته است. کنستانتین چرنکو گفت؛ همکاری میان دو کشور نه تنها در عرصه های اقتصادی می تواند بازم گسترش یابد، بلکه مبادله تجارت در کار حزبی و دولتی و همکاری در فعالیت های بین المللی نیز می تواند از اهمیت روز افزونی برخوردار گردد.

کیم ایل سونگ در سخنرانی خود گفت؛ دوستی میان اتحاد شوروی و کره بر بنیان های مناسبات طبقاتی و همبستگی استوار است و ریشه های ژرف تاریخی دارد. کمونیست ها و خلق های دو کشور زیر درفش مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سالهاست که علیه تجاوز امپریالیستی و ستم استعماری پا یاری رساندن به یکدیگر مبارزه می کنند و برای پیروزی امر کبیر سوسیالیسم و کمونیسم، همکاری های تنگاتنگی با یکدیگر دارند. امروز نیز خلق اتحاد شوروی به جمهوری دمکراتیک خلق کره در مبارزه برای ساختمان

سوسیالیسم و اتحاد مسالمت آمیز و مستقل میهن کمک برادرانه می رساند. کیم ایل سونگ تأکید کرد که خلق کره از این کمک عمیقاً سپاسگزار است.

کیم ایل سونگ گفت؛ مسئله جلوگیری از خطر جنگ جهانی جدید و حفظ صلح برای بشریت امر خطیری است. حزب کمونیست و خلق اتحاد شوروی قاطعانه علیه سیاست امپریالیستی تجاوز و ماجراجویی برای دامن زدن به یک جنگ جدید به خاطر حفظ صلح و امنیت در اروپا و در تمام جهان مبارزه می کنند. کیم ایل سونگ بر پشتیبانی خلق و دولت کره بر اقدامات صلح دوستانه اتحاد شوروی تأکید کرد.

در مذاکرات میان رهبران دو کشور مسائل مختلف مورد علاقه آنان مورد بحث قرار گرفت و قراردادهایی مبنی بر گسترش و ژرف تر ساختن همکاری های دو کشور منعقد شد.

کیم ایل سونگ پس از پایان دیدار رسمی خود از اتحاد شوروی، از جمهوری توده ای لهستان و جمهوری دمکراتیک آلمان نیز دیدن کرد.

نامه شخصیت های برجسته ترکیه به دولت

کمیته ای مرکب از پروفیسور ساوجه ، پروفیسور یاوز و رجال فرهنگی اسین افشار، بیلگسو ارنوس و عزیز نسین، نامه ای به امضای ۱۲۵۶ تن از هرمندان، بازرگانان، دانشمندان و نمایندگان اتحادیه های آزاد کارگری تسلیم کنان اورن، رییس جمهور و نجم الدین قره دوغان، رییس مجلس کبیر ملی ترکیه کردند. روزنامه "جمهوریت" این نامه را منتشر کرده است.

در این نامه خواسته شده است بازسازی دمکراتیک زندگی سیاسی و فرهنگی کشور انجام شود، آزادی قلم تأمین گردد و عفو عمومی برای همه زندانیان سیاسی اعلام شود.

تورگوت اوزال، نخست وزیر ترکیه، به هنگام کنفرانس مطبوعاتی ماهیانه خود تسلیم این نامه دسته جمعی را کاری بی موقع و عجولانه ارزیابی کرد؛ ولی این اقدام شجاعانه حاکی از آنست که رژیم دیکتاتوری نظامی وابسته به آمریکا، علی رغم آرایش ظاهری چهره خود، همچنان مورد نفرت خلق ترکیه است.

دگراندیشان به رسمیت نشناختند).
سخن کوتاه!

مجلس اول در حالی به پایان کار خود رسید که نه تنها هیچ یک از مشکلات اقتصادی - اجتماعی توده های مردم حل نشده، بلکه بر اثر خیانت مجموعه حاکمیت و از جمله قوه مقننه آن به دستاورد های انقلاب، این مشکلات بیش از پیش تعمیق یافته است. بسیار پرمعناست که زعمای قوم در سخنان خود، به مناسبت پایان مجلس اول و شروع مجلس جدید، حل مشکلاتی را سرلوحه فعالیت های مجلس آینده می دانند که در شروع مجلس اول نیز مطرح می کردند. این خود بزرگ ترین اعتراف به سیاهی کارنامه مجلس اول جمهوری اسلامی است.

کارنامه بی افتخار و ضد...

بقیه از صفحه ۱۰
احزاب و گروه ها عملاً عملکرد احزاب و سازمان های غیرحکومتی و به ویژه نیروهای دگراندیش را غیرممکن می ساخت و قانون "بازسازی نیروی انسانی" که قاعدتاً می بایست برای تصفیه دستگاه دولتی و اداری از بازماندگان رژیم شاهنشاهی تدوین می شد، تقریباً عین قانون سیاه ضد کمونیستی (۱۳۱۰) رضاخانی به مرحله اجرا درآمد. مطابق این قانون به مانند کشورهای فاشیستی آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی، فعالیت دگراندیشان در دستگاه دولتی غیرممکن است (البته بعد از مدتی حق زندگی را نیز برای

مطبوعات ترکیه اعلام کرده اند فرماندار نظامی آنکارا قصد دارد امضای کنندگان نامه را تسلیب دادگاه کند زیرا گویا در متن نامه "مطالب غیرقانونی" وجود داشته است.

دیدار هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست نوین اسپانیا

روز ۲۲ ماه مه، در مقر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو، دیداری بین نمایندگان حزب کمونیست نوین اسپانیا انجام گرفت. رفقا پوریس پونوماریف و وادیم زاکلادین از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفقا گالیکو، دبیر کل و آلنسو پیراول، اعضای هیأت اجرایی و دبیران حزب کمونیست اسپانیا، همچنین رامس، دبیرکل حزب کمونیست کاتالونی شرکت داشتند.

در این دیدار که در محیطی سرشار از روح رفاقت و وحدت نظر جریان یافت طرفین در باره مسائل روز بین المللی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و مناسبات متقابل میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست نوین اسپانیا به تبادل نظر پرداختند.

نمایندگان کمونیست های اسپانیا پیرامون فعالیت حزب خود در جهت دفاع از منافع زحمتکشان و شرکت در جنبش شدناتوی و ضد جنگی به همراه دیگر نیروهای سیاسی و مبارزه به خاطر سیاست مستقل و صلح چویانه کشور خود توضیحاتی دادند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
آمریکا (میان)**
**هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

RAHE TUDEH

No. 94

Monday, 4 June 84

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	50
Austria	8	Sch. Sweden	3
			Skr.

راه
توده